# فقه

# شرعیّات

تألیف

سیّد کمال الدین نوربخش

جلد اوّل

چاپ چهارم

مخصوص سال اوّل دبیرستانها

مصوّب پانصد و چهل و دوّمین جلسهٔ شورای عالی فرهنگ

مورّخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۴

| |
|---|
| آیات و آیه و کتاب با حروف ریز نوشته شده از برنامه خارج است |



کتابفروشی و چاپخانهٔ علی اکبر علمی

# فقه

# شرعیات

تألیف

## سید کمال الدین نوربخش

جلد اول

چاپ چهارم

مخصوص سال اول دبیرستانها

مصوب پانصد و چهل و دومین جلسهٔ شورای عالی فرهنگ

مورخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۴

آیات و آنچه در کتاب با حروف ریز
نوشته شده از برنامه خارج است



کتابفروشی و چاپخانهٔ علی اکبر علمی

# بسم الله الرحمن الرحیم

# اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ وَالصَّلوةُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ

## رَبِّ زِدنی عِلماً

## ( مُقدمه اول )

در سال ۱۳۱۴ شمسی که دبیرستان مروی تأسیس، و افتخار تدریس فقه نصیب این بنده شد، بعد از سنجیدن روحیه دانش آموزان، و اختلاف بسیاری که در پایه تحصیلی و مایه علمی ایشان بود از یک طرف، و ساعتی که برنامه اجازه میداد این وظیفه سنگین و شریف دینی (که ابقاء و خوشبختی ملت بآن بستگی دارد) گفته شود از طرف دیگر، برخود لازم دیدم کتابی انتخاب شود، که اولاً با ساده ترین عبارات مسائل فقه را در بر داشته. از میزان اختصار و حد لزوم تجاوز نکرده باشد. و ثانیاً از مغز پهلوانان دانشمندی لایق اوراق کاغذ زیور و آرایش یافته باشد.

پس از گردش بسیار در گنجینه ذهن، و زیر و رو ساختن کتب و مؤلفین بزرگ که دو قرن مذهب و ملیت ایران و اسلام را زینت داده، و باعث افتخار مسلمین اند) کتابی ساده تر و جامع تر از کتاب مختصر نافع، و مؤلفی زبردست تر و دانشمند و نامدار تر از نویسنده آن نجسته. و دیده چنین گوهر گرانبهائی را سزاوار است در معرض نمایش گذاشت و معرفی کرد، تا جوانان دانا منشان به پاکی و دیانت بدانند در هفت قرن پیش چه مردان بزرگی با اصول محکم و روشن خود مردم را با پیام تألیف و تنظیم ساختن زندگی اجتماعی و مهر زمین ... دعوت میکردند

# مؤلف مختصر نافع

مؤلف مختصر نافع - نجم الدین، ابوالقاسم، جعفر بن حسن (۶۰۲ - ۶۷۶ هجری قمری)
مشهور به محقق اول و محقق حلی از بزرگترین دانشمندان و فقهای مذهب است، که نظیر آن
در فهم و بیان کمتر کسی یافت شده و از مجلس درس و خورشید تابناک وجودش ستارگان
فروزنده ای چون علامه حلی برخاسته و زینت بخش جهان دانش گشته اند. نامش مشهور
آفاق و مخصوصاً کتاب شرایع او بهترین مجموعه ای است در قوانین فقهی از الهی و اجتماعی که
تاکنون [illegible] نوشته شده و بزبان های مختلف ترجمه و انتشار یافته است و نویسنده، ترجمه
بفرانسه آن را نزد یکی از دوستان دیده است.

باری محقق در همه کشورهای اسلامی و دانشمندان اروپائی بفضل و دانش معروف است.
تحصیل و تدریس [illegible] در حله بوده (شهری است قدیمی مابین [illegible] و کربلا) و خواجه
نصیرالدین طوسی برای دیدن [illegible] بحله آمده آستان فضلش را بوسیده و در احترام و تجلیل
آن [illegible] کوشیده است. تألیفات او بسیار، از جمله یکی شرایع است در فقه که شروح
بسیار بر آن نوشته اند و [illegible] شرح آن جواهر الکلام (از مرحوم شیخ محمد حسن وفات
[illegible] هجری استاد شیخ انصاری) و مسالک از شهید ثانی است (۹۱۱ - ۹۶۶
هجری قمری).

[illegible] نافع [illegible] که در حقیقت مختصر و خلاصه ای است از شرایع و بر
آن نیز شروح بسیار نوشته اند و مبسوط ترین آنها شرح کبیر معروف به ریاض است
مؤلف مرحوم میر سید علی طباطبائی ۱۱۶۱ - ۱۲۳۱ هجری قمری، و مختصر در فقه
[illegible] در اصول فقه و رساله در اصول دین، و رساله ای در منطق از آن
[illegible]

**مقدمهٔ دوم** - پس از آنکه دو سال در کلاسهای چهارم و پنجم و ششم دبیرستانها مذکور، متن و عین مختصر نافع (بجز مطالبی که امروز متروک است از قبیل احکام غلام و کنیز یا جهاد بآن معنی که باید با حضور امام باشد، نه دفاع که در هر صورت لازم است و بسیاری از مستحبات و مکروهات) مورد استفاده قرار گرفت متأسفانه از سال سوم تیر آرزو بسنگ خورد و نشد عین کتاب تدریس شود:

زیرا بجهاتی سطح فکر و علاقه دانش آموزان بتحصیل تنزل یافته و دانش آموزانی که از دوره اول متوسطه بکلاس چهارم وارد میشوند در همه دروس و مخصوصاً عربی بسیار ضعیف اند و تدریس شرعیات به عربی سودمند نخواهد بود، و چون منظور خودخواهی و فضل فروشی نبود لازم دیدم همان متن را بفارسی ساده و روشن تحویل دهم، باشد که محصلین بفهمند و فایده برند و خوشبختانه نتیجه هم گرفتیم، زیرا دانش آموزان که هنوز رگ و ریشه ملیت و اسلام از دلشان نبریده با شور و شعف بخواندن و یاد گرفتن، بنده را تشویق کرده آنچه میگفتم نوشتند و بگذشتن دو سال تقریباً یک دورهٔ کامل فقه تهیه شد (غیر از احکام غلام و کنیز و ابواب حدود و دیات که جزء برنامه نبود و گفته نشد) ولی بعد از گذشتن امتحان و مدرسه هم آن جزوه ها را خود داشتند و ظرف احتیاج نبود تا از آنجا گرفته باشم قضا را پایان کتاب فقه با انحلال مدرسه بدستور وزیر وقت (۱۳۱۸) توأم شد، رشته گسیخت و دانش آموز و مدرس و کارمند هریک بگوشه ای متواری یا پناهنده شدند.

**مقدمهٔ سوم** - پس از قضایای شهریور و گذشتن یکی دو سال و هرج و مرج سرسام آور و افسانه نمائی که در همه طبقات کشور برپا شد و با آتش آن هنوز

همه میسوزند . و فرسنگها همه را از هم دور و رشته ملیت را پاره ساخت ، گوئی
زمامداران امور از خواب تا اندازه ای بیدار شده و فهمیدند همه این اختلافات و بهم
پیچیدگی ها زاده بی ایمانی است و اکنون نیز داروی این درد تنها ایمان و وحدت
در عقیده است ، زیرا سرشتی که با آئین پرورش یافته ، دروغ نمی گوید ، دزدی
نمیکند ، آذوقه و خوار بار طرف احتیاج ملت را انبار نمی کند ، آرزوی بالا رفتن
نرخ و سطح زندگی را در سر نمی پرورد ، بمردم آزاری نمیگرود ، نفهمیده و
نسنجیده سخن نمی گوید ؛ ندانسته دامن این و آن را آلوده و لکه دار نمی سازد ؛
پشت میز اداره یا وزارت یا وکالت انجام وظیفه می کند ، از بی نوایان
دلجوئی و بکار و بارشان رسیدگی میکند ، با کمال صمیمیت بمیهن و کشور خدمتگزار است ؛
مردم با ایمان ، پیرامون خیانت ، تهمت ، خودسری ؛ خودخواهی نگشته
مصالح اجتماعی را بر منافع شخصی ترجیح میدهند .

باری فهمیدند که باید روح ایمان در جامعه تقویت و از فرهنگ شروع شود . ایمان
اگر از روی دانش در دل جاگیرد سودمند ، و در بنیاد کاخ ملیت مؤثر است ،
دانش آموزان که فرزندان طبقات گوناگون ملت اند باید بعظمت مقام ایمان
پی برند ، و با روح جوان خود بوظائف ایمانی خو کنند . در این منظور برنامه مدارس
ابتدائی و متوسطه بدرس شرعیات زینت یافت و گوهر گرانبهائی که چندین سال از گنجینه
مدارس سرقت شده بود ، دوباره برگشت . و ما امیدواریم . اگر حقایق اسلامی
چنانکه بوده خالی از آلایش و پیرایش منتشر شود ، نه تنها جامعه ایرانیت و مردم
این کشور را باوج ترقی و سعادت می رساند بلکه معتقدیم مردم دنیای متمدن .

و دانشمندان جهان را امکان داده ، می فهمند که در پرتو خورشید عالم افروز اسلام همه خونریزیها ، کشمکشها ، اختلافات بدبینیها برطرف شده جهانیان و همه بسازش و آرامش با یکدیگر برادرانه و خوش زندگی میکنند . . .

مقدمه چهارم - پس از ابلاغ برنامه شرعیات بدبیرستانها ، بنده بفکر افتادم همان جزوه ای که در مرو ی گفته میشد در دسترس دانش آموزان گذاشته شود و الحق در این خصوص علمای اعلام و دوستان و رئیس و کارمندان اداره نگارش و ارکان شورای عالی فرهنگ نیز پیش از آنچه گمان میرفت کومک و تشویق فرمودند و پس از رعایت چند نکته این مجموعه تقدیم شد :

۱ - دانش آموزانی باید استفاده کنند که سال زندگی ایشان از دوازده شروع می شود بنابراین باید عبارات بسیار ساده و قابل فهم نوشته شود .

۲ - برای شرعیات و اخلاق و قرآن فعلاً در هفته بیش از یک ساعت منظور نشده و باید در اختصار و تفصیل روشی را انتخاب کرد که با پایان یافتن سال بتوانند دانش آموزان همه مواد برنامه را یاد گرفته و آقایان اساتید نیز مجال شرح و بیان و پرسش و پاسخ داشته باشند . باین جهت ناچار شدم از میزان متن مختصر مافع نیز مقداری کاهیده فروعی را که چندان مورد احتیاج نیست یاد نکرده در عوض برای میمنت گاهی از آیات قرآن یا اخبار ، کتاب را زینت دهم .

۳ - با مطالعه و دقت در کتب مهمه فقه و اخبار در نظر گرفتم حتی الامکان آنچه نوشته میشود مطابق با عقیده مشهور و موافق با احتیاط باشد که فقهای عصر و دانشمندان سابق در آن هم عقیده اند و این نکته بزرگ را کسانی می فهمند که بعظمت و توسعه فقه آگاه و میدانند فقه چه دریای ژرفی است و با چه نیرو و وسائل

سنگینی میتوان در مطالب آن اظهار عقیده هم کرد .

۴ - در تنظیم مطالب فقه سعی شد کاملاً ترتیب برنامه رعایت شود زیرا در برنامه مثلاً اجاره را در ضمن عقود جایزه نوشته و این بر خلاف تقسیم بندی ابواب فقه است اما مبحث نکاح چون بسال پنجم مربوط بود ناچار در جلد مربوط بآنسال منتشر شد .

۵ - آنچه از برنامه زائد بود بعلامت * و با حروف ریز و یا پاورقی ممتاز شد .

در خاتمه از عموم آقایان اساتید و خوانندگان گرامی خواهش آنکه هرگاه اشتباه و نقصی در عبارات و یا مطلب ملاحظه فرمودند بدیده بزرگواری نگریسته و لطفاً اطلاع دهند تا در چاپهای بعد رعایت و اصلاح شود و نیز از آقای وهبی کارمند محترم وزارت دارائی که جزوه خود را برای چنین روز ذخیره کرده بود تشکر میکنیم

# کتبی که مورد مطالعه بوده

۱ - حدائق - مرحوم شیخ یوسف بحرینی اعلی الله مقامه - مشرب او بین اخباری و اصولی بوده (۱۱۰۷-۱۱۸۸)

۲ - جواهر الکلام - مرحوم شیخ محمد حسن اعلی الله مقامه - مسوط ترین کتب فقهی که شامل همه ابواب فقه با روش استدلال است .

۳ - شرائع الاسلام - مرحوم محقق اول اعلی الله مقامه

۴ - شرح لمعه - مرحوم شهید ثانی اعلی - مقامه

۵ - رسائل - مرحوم شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه

۶ - رساله در قاعدهٔ لاضرر شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه

۷ - مسالک - مرحوم شهید ثانی اعلی الله مقامه

۸ - مستند الشیعه - مرحوم حاج ملا احمد نراقی (وفات ۱۲۴۴) متکلم، فقیه وریاضی دان، وشاعر و از بزرگان مذهب در قرن سیزدهم

۹ - مختصر نافع محقق اول

۱۰ - وافی (در اخبار) مرحوم ملا محسن فیض (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱) عارف، فقیه، محدث و شاعر معروف

۱۱ - وسائل الشیعه - مرحوم شیخ حر عاملی (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴) محدث و اخباری بوده

۱۲ - تفسیر مجمع البیان مرحوم شیخ طبرسی (مابین ۵۰۰ و ۶۰۰ هجری از بزرگان مفسرین مذهب بوده

۱۳ - صحاح اللغة - جوهری (وفات ۳۹۳ هجری) از بزرگان علم لغت عرب واز فاراب بوده

۱۴ - رجال مرحوم بوعلی

۱۵ - فهرست - آقای ضیاءالدین ابن یوسف شیرازی تولد ۱۲۸۲ شمسی فعلاً ساکن شیراز و بتدریس علوم دینی اشتغال دارند

# مقدمات کتاب

* مقدمه اول - آئین مقدس اسلام در پرتو دو نوع تعلیمات که متضمن اصول کامل اخلاقی واجتماعی بوده پرچم عظمت وپرافتخار خود را باندک زمانی برفراز آسمان چین وهند وروم وایران باهتزاز آورد : نخست تعلیماتی که از آن باصول دین تعبیر میشود ودوم فروع دین .

آموزش وپرورش اسلام بود که تمدن های پنج شش هزار ساله ایران وروم بسرعت برق آنرا پذیرفته وبدستورش گردن نهادند .

اصول دین وفروع دین اسلام دو اسلحه مرموزی بود که زور وزر مسلمین داد وآنها را نیرومند ساخت .

* اصول دین - اسلام در این قسمت از تعلیمات خود مردم را بخدای یگانه ونادیده که همه باو نیازمند واو از همه بی نیاز است رهبری می کند خدا در نظر مسلمان بکردار پنهانی وآشکار همه محیط است وبکوچکترین کار پسندیده یا ناپسند ، مزد وکیفر میدهد ، خدائی که ما می پرستیم خدائی است که اگر پیش خود نیک یا بد بیندیشیم می بیند ودر کمین است تا از خوب وبد کدام را اختیار کنیم وپاداش ببینیم . آستان قدس پروردگار اسلام از هر عیب ونقص پاک وبهر صفت کمال آراسته است .

اسلام در اصول دین اعتقاد بخدای یگانه وروز رستاخیز وتسلیم در برابر فرمان ودستور فرستاده او را در دلها جامی دهد که اول توحید دوم معاد سوم نبوت باشد .

اسلام در جامه زیبای تمدن ، عدالت ودادگری را برای خدا و در گسترش و حفظ عدالت ، جانشینان مخصوصی را برای پیغمبر جلوه می دهد : عدل و امامت بنابراین اصول دین و مذهب پنج است

۱- توحید ۲- نبوت ۳- عدل ۴- امامت ۵- معاد روز قیامت

که انشاء الله هریک را با برهان و دلیل و اینکه چه فوائد و تاثیرات عمیقی در خوشبختی و سعادت ملل و اجتماعات دارند در آخر همین جلد جداگانه شرح می دهیم.

* فروع دین - در این رشته از سخنان پیغمبر اسلام و جانشینان او وظایفی که مسلمانان نسبت بآفریدگار خود و نسبت بیکدیگر باید انجام دهند دیده میشود و بعبارت دیگر تعلیمات اجتماعی اسلام فروع دین یا علم احکام است .

مقدمه دوم * اجتهاد و تقلید - اگر بنیروی اندیشه و فهم و مطالعات خود توانستیم یکی از مطالب اصول دین یا احکام را فهمیده و بآن اعتقاد و یقین پیدا کنیم ما را مجتهد گویند . هرگاه پایه اعتقاد و عمل بر گفته دیگری باشد مقلدیم .

نتیجه - اصول دین را باید باجتهاد و قدرت و آزادی فکر فهمید و پذیرفت اگرچه از راه قرآن و مطالعه اخبار یا گفتار فلاسفه یقین و علم حاصل شود که این نیز اجتهاد است پس تقلید در اصول دین روا نیست ( که مثلا چون پدرم خدا را یکی می داند من نیز بیگانگی او معترفم ) ولی در فروع دین و احکام ، انسان می تواند باروشی که برای فهمیدن آنها تعیین شده خود وارد و مجتهد شود و می تواند بگفته مجتهدی که در عدالت و دانش و پاکدامنی بر سایر مجتهدین برتری دارد رفتار کند .

مقدمه سوم * مکلف - وظیفه مند و مکلف در قانون اسلام کسی است که بالغ و خردمند و آزاد و توانا باشد و این چهار امر را شرایط چهارگانه تکلیف گویند

بنابراین کودک، دیوانه، ناچار (مضطر) و ناتوان از بند تکلیف رهایند (ولی در تجاوز بحقوق مردم، مثلاً اگر کودک شیشه و پنجرهٔ خانهٔ همسایه اشکست، خسارت همسایه را باید سرپرست از مال او جبران کند و این نوع امور را احکام وضعی گویند)

* تکلیف - دستور و قانونی است که پیشوای اسلام برای کردار و رفتار بشر تعیین فرموده و بواجب، حرام، مستحب، مکروه، و مباح تقسیم میشود.

واجب - آنست که ناگزیر باید آنرا انجام داد و در انجام آن مزد و در ترکش کیفر است مانند نماز و روزه و دفاع از میهن موقعی که دشمنان دین هجوم آورند و رد امانت.

حرام - عکس واجب است مانند باده گساری، رباخواری یا تعرض بمال و جان و ناموس مردم.

مستحب - کاری است که انجام آن محبوب خدا است و بآن مزد می دهد ولی در ترکش مجازات و کیفر نیست مانند ساختن بیمارستان و پل و کومک ببینوایان.

مکروه - عکس مستحب است یعنی اگر انجام ندهیم مورد لطف خدا قرار می گیریم مانند نماز خواندن در حمام.

مباح - آنست که در انجام و ترک آن کاملاً مختاریم.

مقدمه چهارم - علم فقه - هرگاه وظائف و احکام شرعی را توانستیم از روی دلیل بفهمیم در این موقع فقه آموخته ایم و ما را فقیه گویند.

دلیل فقهی - راه و روشی که میتواند انسان را بمقصود نزدیک کند دلیل است ناچار برای هر مقصد باروش مخصوص باید رفت تا بهدف رسید، مثلاً طبیب بیمار را

باید با روش مشاهده و آزمایش فهمید و در ریاضیات از برهان کومک گرفت ادله وطرقی که برای فهمیدن مقررات فقه تعیین شده چهار است :

قرآن ، اخبار ، اجماع ، عقل ، که بنیروی مجموع این چهار دلیل وظائف همه مردم و موضوعات فقهی روشن میشود .

* **تقسیم علم فقه** - قوانین فقهی ، یا نظر بجنبه دین دارد یا دنیا قواعد مربوطه بعالم دیگر عبادات ، و قواعد موضوعه برای زندگی این جهان ، یا دراجراء محتاج بلفظ (صیغه) است یا احتیاج بلفظ ندارد - آنچه را بلفظ احتیاج ندارد احکام نامند مانند ارث و حدود و دیات واگر محتاج بلفظ است یا از طرفین این نیاز هست یا از یک طرف ، آنچه را لفظ یک طرف کفایت میکند ، ایقاعات نامند چون طلاق که همان مرد تنها صیغه طلاق را انشاء میکند و در وقوع طلاق کافیست واگر احتیاج بلفظ از دو طرف شد آن را معاملات نامند مانند عقد بیع واجاره وغیره .

از ملاحظه آنچه گفته شد میتوان بخوبی فرق مابین علم حقوق و علم فقه را بدست آورد . زیرا اولاً جاعل قوانین فقهی بشری است که باستناد بحق قوانین را تعیین کرده بخلاف قوانین حقوقی که مولود فکر بشر است . ثانیاً قوانین حقوقی تنها برای حفظ اجتماع و روابط بین مردم است و با عبادات سروکار و بآن هیچ توجه ندارد ؛ برخلاف قوانین فقهی که قسمت بزرگ آن در موضوع عبادات است .

ثالثاً مقننین حقوق ، در وضع قوانین ، ملاحظه احتیاج روز بشر ، یا مردمان یک کشور را می کنند ولی شارع یک دین ملاحظه روزگار بشر و احتیاج دائمی آنرا میفرماید . این امور فرق های مابین این دو علم است ، وجهت اشتراک آنها ملاحظه احتیاج مردم وحفظ اجتماع آنان است .

بعد از بیان مقدمات فوق نظر به اهمیت جانب قوانین مربوط به آخرت ، عبادات را مقدم داشته میگوئیم : مهم ترین عبادات برحسب فرمایش ائمه دین و دلالت قرآن مبین همانا نماز است و چون نماز مربوط بتهیه مقدماتی است لذا مقدمات نماز را در چند فصل بیان میکنیم .

# باب نماز

أَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلٰى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ(۱) الْفَجْرِ
إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ۔

معنی - باید از هنگام ظهر تا تاریکی شب و هنگام برآمدن سپیده صبح ، نماز بجا آری و نماز بامداد مورد گواهی است

**تعریف** - نماز کیفیت مخصوصی است که پروردگار جهان بآن وسیله پرستش میشود

**تقسیم** نماز یا واجب است یا مستحب .نماز های واجب هفت است :

۱ - نماز های روزانه ( صبح - ظهر - عصر - مغرب - عشا )
۲ - نماز عیدین ( عید رمضان و عید قربان )
۳ - کسوف وخسوف ، زلزله وآیات
۴ - نماز جمعه .
نماز طواف واجب .
۶ - نماز میت
۷ - نمازی که بنذر یا شبه نذر انسان برخود واجب کند .

**قسم اول نماز های یومیه ( روزانه )**

قوانین مربوط بنماز های روزانه را در چند مبحث شرح میدهیم

---

۱ - قرآن در این آیه نماز تفسیر شده

# مبحث اوّل مقدمات نماز

مقدمات نماز پنج است :

۱- طهارت ۲- وقت ۳- قبله ۴- لباس ۵- مکان

## فصل اوّل طهارت

**تعریف** = طهارت در لغت پاکیزه بودن و در فقه عبارتست از وضوء وغسل و تیمم .

### وضو

(قرآن : یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَوٰةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ) (آیه ۵ سوره مائده)

ای مردم با ایمان هرگاه میخواهید نماز بخوانید صورت و دست خود را تا آرنج بشوئید و سر و پا را تا برآمدگی پا ترکنید )

چگونگی وضو - وضو عبارت است از شستن صورت از رستنگاه موی سر تا ذقن (چانه) (ذقن محل اتصال استخوان زیر گلو با استخوان پائین دهن است که دندانهای پائین بر روی این دو استخوان ... ) شستن دست راست و دست چپ از مرفق ( آرنج ) تا سر انگشتان و مسح جلو سر و مسح دو پا از سر انگشتان تا برآمدگی پا

در وضو ۱۱ چیز معتبر است

۱ - مکلف باید خود مباشر وضوء باشد ولی اگر نتواند جائز است دیگری او را وضوء دهد .

۲ - نیت که جزءِ وضوء نیست ولی وضوء بدون آن صحیح نباشد و نیت در عبادات عبارتست از اینکه فعل و کار را برای خدا از آغاز تا انجام بجای آورد یعنی دیگری یا چیز دیگری را در عمل شرکت ندهد مثلاً اگر هوا گرم است و برای خنک شدن و تقرب بحق بخواهد وضو بگیرد صحیح نیست یا اگر در جائی وضو بگیرد برای اینکه بینندگان باو متوجه شده او را متدین دانند باز صحیح نیست و نیت باید مقارن عضو باشد چنانکه در مبحث نماز انشاءالله خواهیم گفت .

۳ - در شستن ها حتماً باید از بالا بپائین شروع شود ولی مسح از پائین ببالا و از بالا بپائین جائز است هرچند از پائین ببالا در مسح پا با احتیاط نزدیکتر است و ترک نشود .

۴ - در مسح پا باید برخود پا مسح کرد .

۵ - سر و پا را باید مسح کرد ، یعنی از همان تری آب وضوی دست ، باید مسح بعمل آید و بعبارت ساده : سر و پا را باید با آب وضو تر کرد .

۶ - در شستن ها ترتیب معتبر است یعنی اوّل باید صورت را شست بعد دست راست ، سپس دست چپ و پس از آن مسح سر و در مسح دو پا ترتیب شرط نیست و مشهور فقهاء گویند دو پا را با هم می توان مسح کرد .

۷ - در مسح سر نتوان [illegible] ی مو مسح کرد ، ولی بشرطی که موی اطراف سر ، جلو سر را نگرفته باشد ، بعبارت دیگر مسح بر روی موی خود جلو سر بی اشکال است و موهای اطراف اگر در جلو جمع باشد باید آنها را عقب

۸ - موالات یعنی افعال وضو را پی در پی بجا آورد و میزان موالات صدق عرفی است یعنی هر که ببیند بگوید وضو گیرنده در افعال وضو فاصله نینداخته و فقها گویند محقق میشود باینکه عضو بعد را بشوید پیش از آنکه عضو پیشین خشک شده باشد ( در هوای معتدل )

۹ - اعضاء وضو باید قبل از وضو پاک باشد

۱۰ - آب وضو باید مطلق باشد ؛ یعنی مردم آن را آب گویند بدون اینکه چیزی بلفظ آب اضافه کنند ، مثلاً گلاب و آب غوره آب نیستند زیرا دو لفظ گل و غوره در تلفظ بآب زیاد میشود . *

۱۱ - پاک بودن آب

---

۱ - هرگاه موی جلو سر بقدری بلند است که اگر آنرا رها کنند و بالاتر زنند از سر تجاوز و مثلاً پیشانی را فرا میگیرد باز مسح برروی این موها صحیح نیست .

* اقسام آب - آب یا مطلق است یا مضاف - آب مطلق سه قسم است جاری - ایستاده و آب چاه .

آب جاری پاک است و پاک کننده و با آن میتوان وضو گرفت مگر هنگامیکه رنگ یا بو یا مزه آن بسبب نجاست تغییر کند که در این صورت وضوء گرفتن صحیح نیست و پاک نخواهد شد مگر آنکه آنقدر جریان پیدا کند و از منبع بر آن اضافه شود تا رنگ یا بو یا طعم آن بکلی از بین برود ( آب را وقتی جاری میگویند که سرچشمه داشته باشد یعنی از زمین جوشیده و جاری گردد ) ؛

اَلْماءُ اِذا بَلَغَ قَدْرَ کُرٍّ لایُنَجِّسُهُ شَیْءٌ یعنی آب همینکه به مقدار کر رسید چیزی آنرا نجس نمیکند .

بقیه در صفحه بعد

# غسل

**تعریف** - غسل در لغت شست و شو و در فقه عبارتست از طهارتی

(بقیه از صفحه قبل)

**مقدار کر** - عبارت است از ۱۲۰۰ رطل عراقی و هر رطل عراقی ۱۳۰ درهم و هر ۱۳۰ درهم ۸۰ مثقال و ربع مثقال است که کر در حدود ۳۸۳ کیلوگرم و ۹۰۰ گرم است و با ۱۲۷ من تبریز و ۳۰۱ سیر برابر میشود .

**آب چاه** - بنابر قول عده زیادی از فقها در حکم آب جاریست یعنی بملاقات نجاست نجس نمی شود ولی برخی دیگر فرموده اند بملاقات نجاست نجس شده و طرز مخصوصی برای تطهیر آب چاه قائل شده اند بحسب اختلاف نجاستی که با آب چاه ملاقات میکند مثلاً می گویند اگر گوسفند در چاه افتاد و مرد ۳۰ یا ۴۰ دلو از آب چاه را باید کشید و اگر مشروب الکلی در چاه ریخت همه آب چاه را باید کشید وهکذا ، چون این موضوع که با ریختن نجاست در چاه باید از آب چاه کشید محل خلاف است لذا از ذکر آن صرف نظر می کنیم .

**آب قلیل** - آب کمتر از کر را آب قلیل گویند و بملاقات نجاست نجس میشود و پاک نخواهد شد مگر اینکه یک کر آب بر آن اضافه کنند .

**تذکر** - مبطلات وضو (نواقض وضو) هشت است :

۱- بول ۲- غایط ۳- ریح (باد) در صورتی که از محل معمولی بیرون آیند یا در اثر کسالت و جراحی ، محل جای دیگر شده باشد ۴- بیهوشی ۵- مستی ۶- خواب در صورتیکه چشم و گوش هر دو از دیدن و شنیدن باز مانند ، بنابراین مانند چرتکی و امثال آن ناقض وضو نیست ۷- دیوانگی ۸- استحاضه قلیله (خونیست که زنان در غیر ایام عادت می بینند و اگر در پنبه نفوذ نکند قلیله اش گویند و تنها موجب وضوء است ، و اگر همه پنبه را گرفت موجب وضو و یک غسل ، و اگر علاوه بر نفوذ همه پنبه را فرا گرفت و بخارج سرایت کرد کثیره است و برای هر نماز علاوه بر وضو یک غسل باید کرد.

بقیه در صفحه بعد)

نه بسه شستن با نیت حاصل میشود : ۱ - شستن سر و گردن ۲ - شستن طرف راست تمام بدن از گردن تا پا ۳ - شست وشوی طرف چپ تمام بدن و اقسام آن شش است

اوّل غسل جنابت (۱) دوّم غسل حیض - سوم غسل نفاس چهارم غسل استحاضه پنجم غسل مس میّت (۲) ششم غسل میّت (۳)

---

۱ - سبب غسل جنابت دو چیز است ، یکی جماع ، دوّم خروج منی خواه در خواب که آنرا احتلام گویند وخواه در بیداری که از شهوت رانی و غیر آن حاصل میشود .

۲ - غسل مس میّت - بعد از سرد شدن وپیش از غسل دادن مرده اگر کسی دست به بدن او گذارد واجب است که غسل کند ولی با این غسل نماز نتوان کرد .

۳ - غسل میّت - بر هر مسلمان واجب است که مرده مسلمان را سه غسل بدهد یکی با آب و دیگر با آب سدر ، سوم با آب کافور واین غسل گرچه بر هر مسلمان واجبست ولی اگر یک نفر بعهده گرفت از دیگران ساقط میشود .

تذکر ۱ - خون حیض - خونی است که از زن عموماً مابین ده سالگی و پنجاه سالگی ماهی چند روز دفع می شود

علامت آن : ۱ - خون حیض تیره رنگ غلیظ و بدبواست ۲ - کمتر از سه روز وبیشتر از ده روز دیده نمیشود ۳ - مابین هردو مرتبه کمتر از ده روز فاصله نمی شود . اگر بیش از ده روز شد ، مقدار زائد ، استحاضه است .

تذکر ۲ - خون نفاس - خونی است که بعد از زایمان دیده میشود واز ده روز تجاوز نمیکند وزائد بر ده روز استحاضه است

( بقیه در صفحهٔ بعد )

تنها غسلی که میتوان بدون وضوء با آن نماز خواند غسل جنابت است وباقی اغسال اگرچه واجبست ولی بتنهائی باآن نمی شود نماز خواند بلکه وضو هم لازم است .

## احکام غسل

۱- بدن باید پیش از غسل پاک باشد .

۲- نیت :- چنانکه در وضو گفته شد ۳- ترتیب در غسل ترتیبی یعنی اول سروگردن را باید شست ، سپس طرف راست بدن ، و بعد از آن طرف چپ بدن را ۴- اگر در بدن مانعی چون انگشتر باشد موقع وضوء وغسل باید مانع را برطرف کرد .

---

(بقیه حاشیه صفحه قبل)

تذکر ۳ استحاضه - خونی است زردرنگ وغالباً بعد از پنجاه سالگی یا بعد از دوره حیض ونفاس دیده میشود ، وسه نوع است :

۱- قلیله وآن خیلی کم است یعنی همه پنبه را (هنگام آزمایش ) فرا نمیگیرد ودراین صورت مبطل وضواست ۲- متوسطه که همه پنبه را فرا میگیرد ودراین پیش آمد درشبانه روز یک غسل نیز واجب است ۳- کثیره که از پنبه بخارج سرایت میکند ودراین فرض برای نماز صبح یک غسل وبرای نماز ظهر وعصر یک غسل وبرای مغرب وعشا یک غسل نیز واجب است

تذکر ۴- زنی که حیض ونفاس می بیند ، تکلیف نماز از او ساقط است ولی بعد از پاک شدن ، روزه را بعنوان قضا بجا میآورد .

تذکر ۵- بعد از پاک شدن از خون حیض ونفاس برای خاطر نماز وروزه باید غسل کرد وترتیب غسل دراین سه مورد مثل غسل جنابت است جز اینکه علاوه بر غسل وضو هم برای کارهای (بقیه درصفحه بعد)

تبصره ۱- غسل و وضوء واجب نیستند بلکه برای نماز واجب یا مس نوشته های قرآن وامثال آن واجب میشود ، و در غیر این موارد غسل و وضوء مستحب هستند نه واجب

تبصره ۲- در رودخانه واستخر وامثال آن بعد از پاک شدن بدن میتوان بنیت غسل ، همه بدن را در زیر آب فرو برد که آب در یکدم بهمه بدن محیط شود واین را غسل ارتماسی گویند .

# تیمم

تعریف - تیمم در لغت بمعنی توجه و قصد و در اصطلاح فقها طهارت اضطراری است یعنی موقعی که مثلاً وقت تنگ یا مکلف دستش از آب برای تحصیل طهارت (وضوء وغسل) کوتاه ، موقع نماز و یا عملی است که بطهارت بستگی دارد بتیمم متوسل میشود

## در تیمم چند چیز واجب است

اوّل عمل یعنی زدن دو کف دست بر روی خاک و مسح کردن پیشانی با همان دو کف دست و مسح پشت دست راست از مچ تا سر انگشت و پشت دست چپ با دست راست بهمان ترتیب .

دوّم - خاک که با وجود آن تیمم بغیر خاک بی اشکال نیست . و در صورت نبودن خاک ، تیمم بسنگ یا جائی که غبار وگرد در آن جمع شده ، مانعی ندارد .

تبصره - تیمم بر معدنیات از قبیل گچ ، وغیره جایز نیست .

---

( بقیه حاشیه صفحه قبل )

مربوط بوضوء واجب است

تذکره - با خون حیض و نفاس واستحاضه هر چند کمتر از پشت ناخن در جامه یا بدن نمازگذار باشد نماز صحیح نیست .

سوم - نبودن آب یعنی تیمم موقعی واجبست که مکلف به آب دست رسی نداشته باشد ، خواه آنکه اساساً آب نباشد یا آب باشد ولی بواسطه مرض یا زخم یا تشنگی یا تنگی وقت نتواند آب استعمال کند .

تذکر - درصورتی که آب باشد ولی قیمت آن گران ، هرگاه مکلف متمکن و متمول است ، باید بهر قیمت هست آب را خریداری و تحصیل وضوء و غسل کند والا چنانکه گفته شد تکلیفش همان تیمم است .

---

درخاتمه فصل طهارت سه مطلب را متعرض میشویم اول آداب و احکام بیت التخلیه دوم نجاسات سوم مطهرات .

درهنگام تخلی حرام است پشت بقبله یا رو بقبله نشستن و اگر بیت التخلیه را رو بقبله ساخته باشند باید منحرف نشست دوم مخرج بول را فقط باید با آب شست ولی مخرج غایط را با سنگ یا کهنه و امثال آن می توان پاک کرد ( درصورتیکه نجاست از محل تجاوز نکرده باشد که دراینصورت جز آب مفید نیست )

تبصره - قطعات سنگ را که با آن تطهیر می کنند حتماً باید سه عدد و پاک باشد خواه بکمتر از آن برطرف شود یا نشود ولی اگر پس از استعمال سه قطعه سنگ ، مخرج پاک نشد باید با ضافه کردن تا پاک شود - تذکر - با استخوان یا شیشه یا بشکل حیوانات یا چیزهای خوردنی مخرج پاک نمیشود

نجاسات - نجاسات ده چیز است : اول و دوم بول و غایط از حیواناتی که گوشت آنها شرعاً خوردنی نیست و دارای خون جهنده اند ( درموقع کشتن ) تذکر - حرمت خوردن گوشت حیوان فرق ندارد ، که ناشی از عدم قابلیت ذات آن باشد ؛ چون گوشت روباه و خرگوش وغیره یا آنکه گوشت حیوان بواسطه خوردن نجاست حرام شده مانند مرغی که نجاست خوار است .

سوم - منی ( و آن مایع چسبناک و لزجیست که هنگام شهوت از حیوانات دفع می شود) از هر حیوان خواه حلال گوشت و خواه حرام گوشت .

چهارم - مرده از هر حیوانیکه دارای خون جهنده است خواه حلال گوشت و خواه حرام گوشت (قطعاتی که از حیوانات جدا میشود محکوم به نجاست است خواه از حیوان زنده جدا شود یا از حیوان مرده مگر اجزائیکه روح در آنها نمیدمد چون مو و ناخن)

پنجم - خون از حیواناتی که دارای خون جهنده باشند خواه حلال گوشت و خواه حرام گوشت .

تذکر - خون هر گاه در جامه و بدن کمتر از پشت ناخن باشد نجس هست ؛ ولی میتوان با آن نماز خواند .

ششم و هفتم - سگ و خوک بیابانی (تمام اجزا سگ و خوک محکوم بنجاست است حتی موی آنها)

تذکر - اگر سگ و خوک با حیوان دیگر جفت شدند و از آنها حیوان دیگر تولد یافت در طهارت و نجاست تابع حیوانیست که با آن بیشتر شباهت دارد .

هشتم - هر مایع مست کننده (بنا بر اعتقاد بیشتر از علمای مذهب) چون می و عرق .

نهم - فقاع و آن شراب جو است .

دهم - کافر (بیشتر فقها هر کافری را نجس میدانند ولی جمعی گویند مشرک یعنی کسی که بخدا معتقد نیست یا برای او شریک قائل است نجس و موحد پاک خواهد بود

## مطهرات

مطهرات - چیزی است که بوسیله آن نجاست پاک میشود و آن ده نوع است :

۱- آب بترتیبی که گفته شد .

(بقیه در صفحه بعد)

، دفعه دست را بزمین نزد ، ولی در دفعه دوم فقط باید پشت دو دست مسح شود

---

بقیه حاشیه از صفحه قبل

۲ـ زمین و آن فقط ته کفش و پا را پاک میکند .

تبصره ـ اگر پای کسی را بریده اند و پای چوبی نهیه کرده کف چوب نیز بوسیله راه رفتن پاک میشود

۳ـ آفتاب و آن زمین نجس را که بوسیله تابش خشک شود و هرچه قابل نقل وتحویل نباشد چون دست و در و پنجره پاک میکند .

۴ـ آتش و آن هر نجسی را که بسوزد و خاکستر شود پاک میکند .

۵ـ استحاله یعنی شیئی از حالتی بحالت دیگر درآید بطوریکه اسم اولی را رها و اسم تازه اختیار کند مثل اینکه سگ در نمکزار افتاده نمک شود یا شراب سرکه گردد

۶ـ انتقال مانند منتقل شدن خون نجس ببدن کیک وشپش .

۷ـ اسلام که نجاست کفر و شرک را برطرف میسازد .

۸ـ برطرف شدن عین نجاست ـ مثل اینکه لب و دهان گوسفند خون آلود است همینکه خون برطرف شد محکوم بطهارت است

۹ـ تبعیت هرگاه کودک کافری در دامان مسلمان پرورش یافت و بزرگ شد محکوم بپاکی است ونیز دستگاه شیره پز (که بواسطه جوشیدن آب انگور نجس میشود) همین که دو سوم آب انگور بخار شد پاک میشود

۱۰ـ نقصان مانند همان شیره انگور که پس از نجاست بواسطه کم شدن دو سوم آب پاک میشود

# فصل دوهم

## وقت نماز باین ترتیب :

وقت نماز ظهر زائل شدن آفتاب است از دائره نصف النهار (۱) و نماز عصر بعد از گذشتن مقدار چهار رکعت از موقع خواندن نماز ظهر و وقت هردو نماز ممتداست از اوّل ظهر تا غروب آفتاب با رعایت مقدّم داشتن ظهر را بر عصر .

وقت نماز مغرب ، غروب آفتاب است از افق . که غالباً حاصل می شود ، بگذشتن قرمزی مشرق از بالای سر (بگذشتن ده یا پانزده دقیقه از غروب آفتاب تخمین زده شد)

وقت نماز عشا - بعد از گذشتن مقدار سه رکعت از وقت نماز مغرب است ، و وقت هردو نماز ممتداست از مغرب تا نصف شب شرعی (شب در اصطلاح شرع تا اذان صبح اعتبار میشود) با رعایت مقدّم داشتن مغرب بر عشا .

توضیح - باندازهٔ اداء نماز عصر و نماز عشا را از آخر وقت باین دو نماز اختصاص دارد که نمی توان در این دو موقع نماز ظهر یا مغرب را بجای آورد .

وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق (سپیده دم) است تا اول آفتاب .

---

۱- برای فهمیدن ظهر (زوال) در زمین مسطح دایره ای ترسیم و در مرکز دایره عمودی بشکل مخروط تمام نصب کنید موقع صبح هنگامی که سایه شاخص (عمود) می خواهد وارد دایره شود ، علامتی بر محیط دایره بگذارید و طرف عصر موقعیکه سایه شاخص از دایره می خواهد بیرون افتد باز بر محیط دایره علامت گذارده ، قوس مابین این دو نقطه از محیط را بدو قسمت تقسیم و قطری از منصف . در دایره ترسیم کنید این قطر ، خط زوال و علامت نصف النهار خواهد بود یعنی سایه شاخص با این خط که منطبق شد ظهر است .

# فصل سوّم قبله (۱)

در موقع نماز باید رو بقبله یعنی رو بکعبه ایستاد و با علم بجهت قبله بدیهی است باید بهمان جهت نماز خواند ، در صورت نادانی میتوان از روی علائمی که مفید گمان است ، مانند محراب مسجد ، قبور مسلمین و غیره نماز را بجای آورد (در صورتیکه نداند باینکه ساختمان قبور صحیح نیست) و اگر بهیچ وجه ، اطمینان بسمت قبله پیدا نکرد ، با بودن وقت ،

---

۱- در آغاز تشریع نماز ، مسلمانان مکلف بودند برای ادای فریضه رو به بیت المقدس کنند که قبله یهود است تا از چندی که (سال دوم از هجرت در ماه رجب) رو به بیت المقدس نماز می خواندند روزی حضرت پیغمبر در مسجدی (بنام بنی سلمه) مشغول نماز ظهر بود پس از رکعت دوم نماز ، به پیغمبر وحی رسید که قبله کعبه است و این آیه نازل شد :

قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ الی آخر هر آینه روی ترا بآسمان و انتظارت را دانسته و می بینیم پس برای تو قبله ای تعیین میکنیم که خشنود گردی بنابر این روی بجانب یک قسمت از مسجد الحرام آر و هر جا باشید پس روی با جانب قسمتی از مسجد آرید (مقصود کعبه است

توضیح - ما بین فقها اختلاف بزرگیست که آیا کعبه (خانه خدا یکقسمت و بنای کوچکی است که در یک سمت از مسجد الحرام واقع شده) قبله است یا مسجد الحرام ، و یا حرم ، مشهور آنست که خود خانه خدا قبله کسانی است که در مسجد ، و مسجد قبله اهالی مکه و حرم قبله از برای سایرین است .

عقیده ما - حق آنست که قبله همه مسلمین هر کجا باشند کعبه است ، با تحقیق فهمیدن زاویه اختلاف ... حالات بر طرف میشود (مثال - چراغی از دور هویدا است

(بقیه در صفحه بعد)

باید بچهار سمت نماز خواند، و درصورتی که وقت اجازه نمیدهد، بیک سمت کفایت میکند.

تذکر - کسی که در حال جنگ است، نماز براو واجب و توجه بقبله ازاو ساقط است، همچنین در حال اضطرار و ناچاری مانند: ترس از درنده یا از دزد وغیره.

تبصره - هرگاه از روی اطمینان بقبله نماز خواند: سپس دانست که رو بقبله نبوده هرگاه وقت باقی است نماز را دوباره میخواند وگرنه تکلیفی براو نیست.

# فصل چهارم

## لباس نمازگذار (۱)

با هر لباسی میتوان نماز خواند مگر:

الف - پوست مرده خواه از حیوان حلال گوشت یا حرام گوشت

ب - جامه ای که از پشم یا مو وکرک حیوان حرام گوشت تهیه شده.

تبصره - با پوست یا پوستین خز وسنجاب استثناء می توان نماز کرد.

ج - جامه ابریشمی - برای مردان پوشیدن جامه ابریشمی مطلقا روا نیست، ولی اگر کسی نافرمانی کرده و پوشید و نماز خواند نمازش هم باطل است.

---

(بقیه از حاشیه صفحه قبل)

صفی که بیش از صد نفر آنرا تشکیل داده همه خود را مقابل چراغ می بینند پس اشکال معروف که میگویند اگر رو بکعبه برای همه واجب باشد لازم میاید در صفی که مثلا پانصد نفر آنرا تشکیل میدهند، جمعی رو بقبله نباشند مردود است. زیرا هرچه بُعد و مسافت بیشتر شود، دائرهٔ رو برو بودن وسیع تر میشود.

۱ - نمازگذار باید عورت (پس و پیش) خود را هنگام نماز بپوشاند (پوشانیدن عورت همیشه واجب است ولی در نماز اگر نپوشانید علاوه بر عمل حرام نماز هم باطل است

مذکر - مقتضی است موقع نماز مردان از ناف تا زانو را بپوشانند ولی برای زنان بجز صورت و دو

د - جامه نجس - جامه نمازگذار باید پاک باشد

ه - جامه غصبی - جامه نماز باید غصبی نباشد

تذکر - اگر آنچه ساتر عورت است پیدا نشد نماز ساقط نیست بلکه در جای خلوت با حالت ایستاده ، و در جائی که ممکن است عبور و مرور شود ، باید نشسته نماز را خواند .

# فصل پنجم

## مکان نماز

تعریف - زمین و فضائی که بدن انسان را فرو میگیرد مکان و در نماز شرط است :

الف - غصبی نباشد خواه مکلف بزور تصرف کرده باشد یا دیگری مگر اینکه بداند مالک اصلی راضی است .

تذکر ۱ - اگر نمازگذار نمیداند که مکان غصبی است نمازش صحیح است .

تذکر ۲ - اگر میداند که مکان غصبی و نمیداند غصب باعث فساد نماز است نمازش باطلست

ب - محلی که پیشانی را موقع سجده بر آن می نهد ، باید زمین یا چیزی باشد که از زمین میروید

تذکر - بر پنبه ، کتان و معدنیات و چیزهای خوردنی ، سجده روا نیست .

ج - محل پیشانی حتما باید پاک باشد ولی غیر از محل پیشانی اگر خشک باشد نجاست آن در نماز تاثیر ندارد

(بقیه از صفحه قبل) دست تا مچ همه بدن عورت است و باید پوشیده شود .

اذان و اقامه - اذان و اقامه را نیز از مقدمات نماز میدانیم باین جهت که فرموده‌اند ، نیت نماز پیش از تکبیرة الاحرام است و نیز فرموده‌اند اول نماز تکبیره و آخر آن تسلیم است و اگر اینجهت نبود آنها را از اجزاء نماز حساب می کردیم ، و نیز اگر فرمایش بیشتر یا تمام فقها نبود و از روی اخبار اذان و اقامه را میگفتیم واجبند ولی چون عموماً مستحب دانسته ، باید گفت با اخبار قرائنی بوده که بر استحباب (بقیه در صفحه بعد)

## مبحث دوّم - اجزاء و افعال نماز (ساختمان نماز)

تقسیم - نماز از دو نوع جزء ترکیب یافته : رکن - غیر رکن

رکن آنست که اگر از روی اراده و توجه یا فراموشی ترک شود نماز باطل است و ارکان چهار است ۱- تکبیرة الاحرام ۰ ۲- قیام ۰ ۳- رکوع ۰ ۴- سجود ۰

## نیت و معنای آن

نیّت یعنی بجا آوردن نماز برای رضای خدا شرطی است که از آغاز تا انجام نماز مکلف باید آنرا رعایت کند و نیّت در همهٔ وظائف الهی از نماز تا امر معروف و نهی از منکر لازم است ، یعنی باید عمل برای گردن نهادن و تسلیم در برابر فرمان خدا ، شروع و ختم شود و گرداندن زبان و تلفظ باینکه برای خوشنودی خدا ، نماز یا هر عبادتی را بجای می آوریم ، چندان مهم و مفید نیست عمده توجه بدل است که از روی صمیم قلب فقط خداوند منظور شود ۰

## ارکان نماز

۱- تکبیرة الاحرام - عبارت است از خصوص کلمه الله اکبر که بهمین ترتیب باید تلفظ شود ، و چون رکن است اگر در صریح و ظاهر گفتن آن : کوتاهی یا بلفظ دیگر تبدیل شود ، نماز باطل است ۰

---

(بقیه از صفحه قبل)

دلالت داشته ، و اکنون آن قرائن از بین رفته و بهر جهت سزاوار است اذان و اقامه ترک نشود مخصوصاً در نماز صبح و مغرب و عشاء ۰

تذکراً - اذان و اقامه مخصوص نمازهای یومیه (صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء) اند ؛ پس در نمازهای مستحبی یا سایر نمازهای واجب نباید خوانده شوند ۰

۲ - قیام - از موقع گفتن تکبیرة الاحرام ، تا وقتی مکلف برکوع میرود ، باید بایستد و آرام بایستد ولی اگر از ایستادن عاجز است تکیه میدهد ! و در صورت ناتوانی نشسته ، و در بیماری سخت ، خوابیده نماز میخواند (چون قیام و مخصوصاً آنچه پشت سر آن برکوع میروند رکن است بنابراین نباید در آن کوتاهی روا داشت )

۳ - رکوع - و در آن چند امر واجب است .

الف - خم شدن باندازه ای که دستها بزانو برسد ( در این میزان مردان مستوی الخلقه منظورند و نیز گذاردن دست بزانو واجب نیست و مقصود اینست که باین اندازه باید خم شد .

ب - آرام گرفتن باندازهٔ ذکر رکوع

ج - ذکر رکوع ( دست کم سه مرتبه سُبحان الله یا یک مرتبه سُبْحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَبِحَمْدِهْ ) یعنی پروردگار من بزرگ و از هر عیب منزه است و بستایش او مشغولم

د - سر برداشتن از رکوع ( باید کاملاً بایستد ) .

هـ - اندکی ایستادن و آنگاه بسجده رفتن .

۴ - سجود - دو سجده رویهم رفته رکن اند و در هر یک هفت تکلیف واجب است :

الف - گذاشتن اعضاء هفتگانه بزمین ( پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و دو سر انگشت بزرگ پا )

ب - گذاشتن پیشانی برخاک پاک ، یا آنچه از زمین میروید ( چنانکه قبلاً گفته شد )

ج - محل پیشانی بیش از مقدار یک خشت ، ( ارتفاع ۴ انگشت که بهم چسبیده باشد ) بلندتر نباشد

---

تذکر ۲ - در نقطه‌ای که نماز جماعت منعقد است و کسی میخواهد برای خود یا بجماعت نماز بخواند ، اذان و اقامه از چنین شخص نیز ساقط است ، ( تا موقعی که صفوف جماعت بهم نخورده )

د - ذکر یعنی سه مرتبه سُبْحَانَ اللّٰه یا یک مرتبه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

هـ - آرام گرفتن باندازهٔ ذکر

و - سر از سجده برداشتن

ز - کمی آرام گرفتن بعد از هر سجده :

تذکر - اگر بواسطه بیماری ، نمی تواند سر بزمین بگذارد محل سجده را بقدری که رفع زحمت میشود میتواند بالا بیاورد .

## ( واجبات غیر رکن )

واجبات غیر رکن شش است ؟

ا - آنچه در رکوع و سجود گفته شد باید عمل شود ،

ب - خواندن سورهٔ حمد در رکعت اول و دوم .

ج - خواندن یکی دیگر از سوره های قرآن بعد از حمد (۱)

د - خواندن حمد « آهسته » در رکعت سوم و چهارم یا خواندن سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ .

تذکر - مرد حمد و سوره را در نماز صبح و مغرب و عشاء ، بلند و در ظهر و عصر آهسته ، زن همه نماز ها را آهسته بخواند .

هـ - تشهّد - در نماز دو رکعتی یکبار ، و در نماز سه رکعتی و چهار رکعتی ، دو بار یکی بعد از

---

ا - چهار سوره ای که سجده واجب دارند نمیتوان در نماز خواند ( الم سجده - حم سجده - والنجم - علق ) زیرا اگر خوانده شود وقتی بآیه سجده رسیدیم اگر سجده نکنیم گناه مرتکب شده و با عمل سجده وضع نماز بهم میخورد .

تذکر - با کمی وقت خواندن سوره های بزرگ جائز نیست اگر وقت خیلی کم است ، اساساً خواندن سوره ... ساقط است .

سجدهٔ رکعت دوّم و یکی بعد از سجدهٔ رکعت آخر، واجب است. کمتر ذکری که در تشهد میتوان گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و تسلیم بعد از تشهد آخر نماز، باید بگفتن اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ یا اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ آخرین عمل نماز را بجا آورد و نماز تمام میشود.

(تذکر - برای رعایت برنامه بقیه مباحث در حاشیه نوشته میشود)

---

## سهو و فراموشی در نماز

فراموشی و اشتباه در غیر رکن سه صورت دارد: ا- آنچه قابل توجه نیست، ب- آنچه باید برگشت و خواند، ج- آنچه تدارک و سجده سهو لازم دارد.

در چند مورد فراموشی قابل توجه نیست و از جمله:

۱- فراموش کردن قرائت و در رکوع توجه یافتن.

۲- فراموش کردن بلند و آهسته خواندن.

۳- نخواندن ذکر رکوع و در سجده فهمیدن.

۴- ایستادن بعد از رکوع و در سجده فهمیدن.

۵- فراموش کردن ذکر سجود یا بلند کردن سر از سجده یا نشستن بعد از سجده و فهمیدن در موقع قیام

آنچه باید برگشت و خواند:

۳- اگر موقع خواندن سوره یادش آمد حمد را نخوانده برمیگردد و حمد را میخواند.

۱- اگر پیش از رفتن به سجده ملتفت شد رکوع نکرده برمیگردد و رکوع را بجا میآورد. (بقیه:)

پیوسته به صفحه قبل

۱- هرگاه پیش از رکوع رکعت بعد فهمید سجده نکرده برمی گردد و سجده را بجا میآورد

۲- هرگاه پیش از رکوع فهمید تشهد را نخوانده می نشیند و تشهد را میخواند .

آنچه علاوه بر تدارک سجدهٔ سهو لازم دارد :

۱- هرگاه پس از رکوع فهمید تشهد نخوانده بعد از نماز تشهد را باضافه دو سجدهٔ سهو می خواند.

۲- هرگاه پس از رکوع یادش آمد یک سجده از رکعت پیش نخوانده بعد از نماز یک سجده را با دو سجده سهو باید بخواند .

تذکر- در بعضی موارد فقط باید بعد از سلام نماز ، سجده سهو بجا آورد ، مثل اینکه سهواً در نماز حرف بزند و بطور کلی هر زیاد و کمی که در نماز رخ دهد و باعث باطل شدن نماز نباشد دو سجده سهو لازم دارد .

( سجده سهو عبارت است از :

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و بعد از سجده دوم با تشهد و سلام عمل تمام میشود . ( همین تشهد معمولی در حقیقت تشهد خفیف و یقیناً کافی است )

## مبحث چهارم - شکیات

شک این است که مکلف در انجام دادن دستوری از دستورات نماز تردید دارد و با اندیشه از دودلی بیرون نیاید ، مثلاً در حال رکوع نمیداند سوره را خوانده یا نخوانده و با اندیشه هیچیک از خواندن و نخواندن را نمیتواند ترجیح دهد .

شک سه نوع است : یکی آنکه اعتبار ندارد دوم آنکه نماز را باطل میکند ، سوم آنکه با رعایت دستوری نماز صحیح است

نوع اول - هرگاه مکلف در انجام دادن یکی از واجبات نماز مشکوک است و محل آن گذشته باینکه داخل واجب بعد شده و شک کرده در این صورت نماز صحیح است مثل اینکه موقع خواندن سوره ، در خواندن حمد و یا در حال سجده در خواندن رکوع شک میکند . ( بقیه حاشیه در صفحه بعد )

# نماز مسافر

پیش از این گفتیم نماز ظهر و عصر و عشاء هر یک چهار رکعت نماز مغرب سه رکعت، و نماز صبح دو رکعت است. این عدد رکعات برای هر نماز مخصوص کسی است که در جائی مقیم بوده؛ مسافر نباشد ولی در سفر، از نمازهای چهار رکعتی دو رکعت آخرش ساقط میشود و بنا براین در سفر همه نمازها دو رکعتی است؛ مگر نماز مغرب که سه رکعت است حال باید دانست که عنوان مسافرت کجا صدق می کند. تا بتوان نماز را شکسته خواند.

شرایط مسافر بودن پنج است:

۱- قصد مسافت یعنی از اول بخواهد ۲۴ میل از جائیکه منزل و اقامت داشته دور شود. تا مسافت شرعی صادق آید، و ۲۴ میل راه عبارت است از هشت فرسخ معمولی (۴۸ کیلومتر) یا قصد پیمودن ۴ فرسخ که در همان روز یا آنشب بخواهد بجای اول برگردد پس کسی که مثلاً دنبال

---

(بقیه حاشیه صفحه قبل)

نوع دوم- هرگاه شک در خواندن رکعت اول یا دوم هر نماز و یا شک در خواندن یکی از رکعات نماز مغرب باشد نماز باطل است (دو رکعت اول باضافه رکعت سوم نماز مغرب شک بردار نیست) و نیز اگر اساساً نداند چند رکعت خوانده باز نماز باطل است.

نوع سوم- پنج صورت هم دارد ۱- شک مابین دو و سه بعد از تمام شدن سجده ۲- سه و چهار ۳- دو و چهار بعد از تمام کردن سجده ۴- دو و سه و چهار بعد از تمام شدن سجده ۵- شک مابین چهار و پنج.

در صورت اول و دوم بنا را بر بیشتر گذاشته پس از ختم نماز دو رکعت نماز نشسته احتیاطاً یا یک رکعت ایستاده بجا بیاورد.

در فرض سوم باز بنا را بیشتر گذاشته دو رکعت نماز ایستاده احتیاطاً پس از نماز بجا می آورد.

در فرض چهارم پس از ختم نماز دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته باید به قصد احتیاط خواند.

در فرض پنجم- اگر بعد از سجده شک میکند نماز را اتمام کرده دو سجده سهو میخواند، و هرگاه در حال قیام است مینشیند و نماز را تمام کرده، سپس یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته میخواند (بقیه در حاشیه صفحه بعد)

شکارهشت فرسخ یا بیشتر سیر د ، باید نماز را تمام بخواند .

۲ - قصد پیمودن مسافت را باراده ماندن در وسط راه بهم نزند بنابراین اگر ابتدا قصد داشته باشد تا ۸ فرسخی مسافرت کند ولی پس از پیمودن چند فرسخ خواست در محلی بماند نماز را باید تمام بجا آورد

۳ - باید سفر حرام نباشد - بنابراین اگر کسی برای امر غیر مشروع مسافرت کند باید نماز را تمام بخواند .

۴ - سفر او زیادتر از حضر نباشد بنابراین مانند چوپان یا بیابان گرد یا مکاری یا شوفر یا کشتیبان وغیره نماز را باید تمام بخوانند .

---

( ... بنشستن ، شک برمیگردد به شک سه و چهار )

## مبحث پنجم مبطلات نماز

۱ - آنچه وضو را باطل میکند اگر در نماز سرزد ، باعث باطل شدن نماز است .

۲ - دست بسته نماز خواندن .

۳ - رعایت نکردن یکی از مقدمات نماز بترتیبی که گفته شد .

۴ - حرف زدن ( دو حرف و بیشتر یا یک حرفی که معنی دارد ) .

۵ - خنده و گریه با صدا ( گریه اگر برای آخرت باشد مبطل نیست )

۶ - آنچه در سهو و شک گفته شد موجب بطلان نماز است .

نماز خوف - ( ترس ) موقعی که مکلف از دزد یا غیر دزد بترسد بطوریکه نتواند نماز را تمام بخواند در این موقع نماز را باید شکسته بخواند خواه در سفر باشد خواه در حضر و اگر ترس زیاد از حد است در این صورت ، برحسب شدت وضعف ترس نماز تفاوت میکند ، چه از حیث شرایط چه از حیث افعال و آداب یعنی اگر نمی تواند با حال توقف نماز بخواند در همان حال حرکت نماز میخواند ، اگر نمیتواند رو به قبله نماز بخواند توجه بقبله ساقط است ، اگر مجال رکوع

( بقیه حاشیه در صفحه بعد

مگر اینکه در موقع رسیدن بمنزل خود، ده روز توقف کنند که در این صورت حکم حاضر را پیدا کرده و تا سفر بعدی در پی مسافرت نمیباشد.

۵ - دیوارهای شهر از نظرش مخفی شده صدای اذان را نشنود و بنابراین تا پیش از گذشتن از حد ترخص (همان اندازهٔ نشنیدن صدای اذان و پنهان شدن دیوارهای شهر را حد ترخص گویند) نماز را نمی تواند شکسته بخواند.

تبصره ۱ - مسافر هر کجا قصد کرد ده روز بماند، در حکم حاضر شده و باید نماز را تمام بخواند، و همچنین اگر مردد تا ۳۱ روز در جائی ماند، باز در حکم مقیم است و باید نماز را تمام بخواند.

---

(بقیه از صفحه قبل) و سجود نیست با اشاره عمل رکوع و سجود را انجام میدهد، اگر مجال خواندن قرائت و سوره نیست بگفتن تسبیح قناعت میکند.

تبصره - بر سرباز در میدان جنگ حرام است که اسلحه خود را هنگام نماز از تن دور کند اگر چه نجس باشد.

چهارم نماز قضا - هرگاه از مکلف بواسطه کافر شدن، یا بیماری یا اهمال و سستی، یکی از نمازهای واجب ترک شده باید در اول فرصتی که ممکن است نماز از دست رفته را بقصد قضا بجای آورد، و اما اگر ترک شدن نمازها ناشی از دیوانگی یا بیهوشی یا گرفتاری حیض و نفاس و یا کفر اصلی است قضای نماز واجب نیست.

تبصره ۱ - اگر بیهوشی یا برطرف نمودن عقل، از طرف خود مکلف شده قضای نماز بر او واجب است چه آنکه خود سبب از بین بردن عقل خود شده.

تبصره ۲ - اگر کسی نمیداند آفتاب بر آمده تا نماز صبح را قضا کند یا بر نیامده تا ادا کند بقصد نماز واجب، نماز را بخواند بی آنکه اراده ادا و قضا کند.

تبصره ۳ - قضای نمازهای واجب همان طور بجا آورده میشود که از دست رفته بوده، یعنی اگر نماز ظهر فوت شده در شب که میخواهد قضا کند، بر طبق آداب نماز ظهر یعنی مثلاً آهسته میخواند.

نماز استیجاری - اگر مکلف خواست، با بهترین صورت که نزد خداوند مهربان محبوب است نماز بخواند

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

تبصره ۲ - هرگاه مسافر قصد کرد ده روز درجائی بماند، ولی بعد از نیت پشیمان شده نیز عقیده پیدا کرده، نخواست ده روز بماند، چون ابتدا قصد ده روز داشته، باید نماز را تمام بخواند .

نتیجه - شرایط پنجگانه هرگاه جمع شد واجب است نماز را شکسته و قصر خواند بطوریکه قبلاً بیان شد .

---

بقیه از صفحه قبل )

درخواندن نماز جماعت شرکت میکند که دارای مزد و ثواب بسیار در آخرت و مصلحت اجتماعی ذات آشنا شدن مردم با هم در دنیا است و در شرائط آن با رعایت اختصار میگوئیم :

شرائط نماز جماعت :

۱- نماز های واجب را میتوان بجماعت خواند، پس خواندن نماز غیرواجب صحیح نیست، (مگر نمازی که برای طلب باران انجام میشود، یا نماز عیدین اگر مستحب باشد )

۲- کسی میتواند امام جماعت باشد که بالغ، و عادل باشد بنابراین کودک و دیوانه و فاسق نمیتوانند پیش نماز باشند، و نماز با ایشان باطل است .

تذکر ۱ - دانستن اسم پیش نماز لازم نیست ، بلکه شناختن او بخوبی و درستی باید مراعات شود.

تذکر ۲ - هرگاه مکلف با تحقیق فهمید پیشنماز مرد خوبی است و با او نماز خواند، ولی پس از مدتی فهمید اشتباه کرده، و فاسق بوده نماز های گذشته صحیح است .

تذکر ۳ - زن نمیتواند برای مرد پیشنمازی کند .

چگونگی نماز جماعت - در نماز جماعت خواندن حمد و سوره از مکلف ساقط است و تا امام سر از رکوع برنداشته میتواند بگفتن تکبیرة الاحرام با امام برسید و آن را یکرکعت حساب کند .

تذکر - هرگاه در رکعت سوم یا چهارم با امام اقتدا کرد، تا وقتی امام تسبیحات بخواند مکلف

# نماز عیدین

یعنی عید فطر و عید قربان، و آن دو رکعت است مانند نماز صبح با این تفاوت که در رکعت اول پیش از رکوع پنج مرتبه الله اکبر و بعد از هر تکبیر یک قنوت خوانده میشود و در رکعت دوم پیش از رکوع چهار تکبیر و بعد از هر تکبیر یک قنوت دارد.

تذکر - قنوت در همه نمازها مستحب است و اگر کسی برای قنوت از آیات قرآن انتخاب کرد نباید بعنوان قرآن بخواند، زیرا در قنوت باید دعا خواند، پس آیه قرآن را باسم دعا باید خواند یا اساساً دعاء انتخاب کرد و خواند.

---

(بقیه از صفحه قبل)

حمد را می خواند، ولی همینکه امام برکوع رفت باید تا هر کجا رسیده رها کند و برکوع برود و اگر تا آمد برکوع رود امام سر از رکوع برداشت، باید قصد کند که نماز جماعت میخواند و نماز خود را تمام کند

تذکر ۲- در همه افعال، و مخصوصاً ارکان نماز نباید از امام جلو افتاد

تذکر ۳- تکبیرة الاحرام را باید حتماً بعد از آنکه امام گفت بجا آورد

## نماز جمعه:

مصلحت اجتماعی که در نماز جمعه یافته میشود، بمراتب از نماز جماعت زیادتر است زیرا مردم تا شعاع دو فرسخ، روز جمعه که روز بیکاری است دورهم جمع و از حال هم باخبر و بیکدیگر علاقمند میشوند و بسیاری از احتیاجات رفع میگردد.

وجوب نماز جمعه - در زمان غیبت امام، مکلف مختار است، نماز ظهر بخواند یا در نماز جمعه شرکت کند، و بدیهی است چنانکه گفتیم شرکت در نماز جمعه نیکوتر است.

شرایط نماز جمعه - ۱- نماز جمعه را مرد بالغ آزادی که مسافر، پیر ناتوان، کور، شل و بیمار نباشد میتواند در صورتیکه نماز جمعه منعقد میشود بجا آورد (با کمتر از پنج نفر نماز جمعه نمیشود خواند) (بقیه در صفحه بعد)

# نماز آیات

(کسوف وخسوف وزلزله) هرگاه آفتاب یا ماه گرفت ویا زمین لرزه شد واجب است نماز آیات.

کیفیت وچگونگی آن : پس از نیت، تکبیرة الاحرام وحمد وسوره را خوانده، برکوع میرود وپس از سر برداشتن از رکوع دوباره حمد وسوره را میخواند وبرکوع میرود تا پنج مرتبه این عمل را تکرار کرده در مرتبه پنجم، پس از سر برداشتن از رکوع، بسجده رفته وبعد، برخاسته، رکعت دوم را مانند رکعت اول بجای آورده، نماز را با تشهد وتسلیم تمام میکند.

تبصره ۱- اگر مکلف بواسطه کار یا امور دیگر باین تفصیل نخواهد نماز بخواند میتواند پس از خواندن حمد، یکی از سوره های کوچک قرآن را به پنج تقسیم کرده با خواندن هر بخش یک رکوع انجام دهد تا رکعت اول تمام شده ودر رکعت دوم نیز همین عمل را اجرا کند.

---

(بقیه از صفحه قبل)

۲- مابین دو نماز جمعه کمتر از یک فرسخ، نباید فاصله باشد.

چگونگی اجراء- پیش از نماز جمعه امام جماعت، یا خطیب باید دو خطبه بخواند، وبعد از آن بجای نماز ظهر دو رکعت نماز مانند نماز صبح به نیت روز جمعه خوانده میشود، وبهتر آنست. در رکعت اول بعد از حمد، سوره جمعه ودر رکعت دوم سوره منافقون خوانده شود.

## نماز میت

اگر مسلمانی (یا کودک مسلمانی که شش سالش تمام شده) مرد، وظیفه هر مسلمانی است که براو نماز بخواند ولی اگر یکنفر خواند از دیگران ساقط است (این قسم واجب را واجب کفائی گویند)

چگونگی نماز بر مرده- این نماز پنج تکبیر دارد ومیان هر دو تکبیر دعائی واجب است باین طریق که پس

تبصره ۲ - اگر تمام قرص آفتاب یا ماه گرفته چه مکلف ملتفت نشده و بعد بفهمد و چه ملتفت بوده قضای نماز آیات را بجای آورد و اگر تمام قرص نگرفته ، برای است که نماز را بخواند ولی اگر کسی سستی کرد یا متوجه نشد و نخواند قضا ساقط است .

## اهمیت نماز در زندگی فردی و اجتماعی

در نظر قانون گذار اسلام ، هیچ وظیفه باندازهٔ نماز ، اهمیت نداشته و ندارد ؟ حتی هر شغل و تکلیفی را در برابر شانه خالی کردن از نماز هیچ دانسته ، و حق هم همین است زیرا اگر از دریچه دل و روزنه فکر نگاه کنید ، خوشبختی و سعادت را در زیر سایه و پرتو نماز می بینید ، نماز راز و نیازی است که بنده با پروردگار و ولی نعمت خود کرده ، به بارگاه او بار مییابد - نماز گذار در فراز و نشیب زندگی ، با هرگونه سختی چون کوه مقاومت میکند ، و از احدی جز خدا ترس و بیم بخود راه نمیدهد ، کسی که لذت و شیرینی نماز را چشیده ، در نا ملایمات روزگار ، غم و اندوه بخود راه نمیدهد ، و در نتیجه همیشه خوش و از همه گزندی ایمن است ، بیشتر رنجوریها ، خودکشیها ، ناله و فریادهای نا نموز که حیات را تهدید و مرگ را نزدیک میکند در اثر دور افتادن از مجلس انس خداوند ، و نماز داروی این دردها ست ، نماز گذار علاوه بر آنکه بپیرو و دستور نماز ، از کارهای زشت اجتناب و بکارهای پسندیده اقدام کرده ، خود را بکمالات نفسانی آراسته ، بسعادت مطلوب میرساند ، بزندگی اجتماعی قوم و ملت خویش هم کمک میکند ، در نماز و آداب آن میخوانید که جامه نماز گذار غصبی و

---

(بقیه از صفحه قبل)

از تکبیر اول شهادتین خوانده شود بعد از تکبیر دوم - درود و صلوات بر پیغمبر و پس از تکبیر سوم ، دعا بر مسلمانان و مؤمنان ، و بعد از تکبیر چهارم دعا بر میت . و به تکبیر پنجم نماز تمام میشود .

نجس نباشد نماز را باید با طهارت انجام داد ، همین دو سه اصل چه اندازه در زندگی شخصی و اجتماعی ما مؤثرند و اگر همه روز از بامداد تا خفتن در گوش ما باشد ، که بمال مردم نمیتوان تجاوز کرد ، چه مقدار دزدی و اختلافات و دشمنی و خونریزیها برطرف و دوستی و مهر جانشین آن میگردد ، پس باید در اداء نماز غفلت نورزید و با حضور قلب آن را بجا آورد که مطابق آیات قرآن و اخبار ترک کردن نماز از بزرگترین گناهان و در حد کفر است .

# باب زکوة

قرآن - خُذْ مِنْ اَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صَلٰوتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ .

ترجمه - از اندوخته و مال مسلمانان زکوة بگیر که باین وسیله آنان را از کثافت دنیا و ماده پرستی پاک و پاکیزه کنی ، و پس از گرفتن برآنان درود بفرست و تشکر کن و خداوند شنوا و داناست .

**تعریف** - زکوة (۱) درلغت بمعنی پاکیزگی و نمو دادن و در اصطلاح شرع پاکیزه کردن و نمو دادن مال است بوسیله دادن مقداری از آنرا بفقراء و در مصالح کشور و ملت .

زکوة عبادتیست که جنبه دنیوی و منفعت غیر نیز در آن ملاحظه شده و چون عبادتست واجب نمیشود - مگر بر بالغ و عاقل وچون بمال تعلق میگیرد پس شرط وجوب توانائی در تصرف مال است . بنا براین اگر کسی مالش را گرو گذارده ، چون نمیتواند در آن مال تصرف کند زکوة ، بر آن تعلق نخواهد گرفت .

## اجناس مورد زکوة

زکوة تعلق میگیرد ، مگر از مزروعات و میوه ها بجو و گندم و مویز و خرما ، و از معدنیات مگر بطلا و نقره و از حیوانات مگر بگاو و گوسفند و شتر ، بتفصیلی که با بیان شرائط و احکام در سه فصل خواهیم گفت .

---

(۱) - زکوة برخلاف قیاس مصدر باب تفعیل است یعنی باید تزکیه باشد.

فصل اول - زکوة طلا و نقره - شرائط تعلق زکوة بطلا و نقره چهار است (۱) بسکه رایج مسکوک باشند (۲) یکسال تمام قمری بر آنها بگذرد (۳) مورد داد و ستد واقع نشوند (۴) بحد نصاب برسند

نصاب طلا و نقره - اگر وزن طلا به ۱۵ مثقال (۶۹ گرم) رسید باید یک چهلم بابت زکوة پرداخت (۹ نخود طلا که با یک گرم و $\frac{۲۹}{۴۰}$ گرم مساوی است) و بعد از آن اگر سه مثقال (۱۳ گرم و $\frac{۸}{۱۰}$ گرم) دیگر بر سرمایه افزوده شد و بر آن سال گذشت باید یک چهلم از سه مثقال دیگر را برای زکوة تأدیه کرد (یک نخود و $\frac{۴}{۵}$ نخود که با سی و چهار سانتی گرم و نیم برابر است) و نقره اگر به ۲۰۰ درهم - (۱۰۵) ریال رسید باید یک چهلم (۲ ریال و پنج هشتم ریال) داد پس اگر ۲۱ ریال (۴۰ درهم) افزوده شد و باز سال گذشت باید یک چهلم که تقریباً ده شاهی نقره است زکوة داد .

از آنچه گفته شد نصاب یعنی اندازه ایکه طلا و نقره باید بآن مقدار برسند تا مورد وجوب زکوة شوند و اندازه و مقداریکه بابت زکوة باید رد کرد دانسته شد .

## فصل دوم زکوة غلات و میوه ها

شرائط وجوب زکوة در غلات چهارگانه (اول) تملک (دوم) نصاب است مالک شدن غلات پیش از میوه شدن میوه و دانه شدن دانه است و نصاب در غلات چهارگانه عبارتست از ۲۸۷ من و ۳۷ سیر و ۳ مثقال که مساویست با ۸۶۳ کیلوگرم و ۹۷۵ گرم که هر یک از غلات چهارگانه باین مقدار که رسید باید یک دهم آنرا بابت زکوة پرداخت (اگر با آب جوی یا باران و یا نم و رطوبت زمین بعمل آمده باشد) و هرگاه با آب چاه یا دستی سیراب شده یک چهلم و هرگاه مدتی با آب جوی و زمانی با آب چاه آب داده شده غالب را باید رعایت کرد ؟ و اگر در زمان تفاوت

۵ - برده و بندگانیکه در رنج و فشار موالی و آقایان خود واقع میشوند (از مال زکوة آنها را خریده و آزاد میکنند) .

۶ - بدهکارانیکه نمیتوانند بدهی خود را بپردازند، درصورتی که بدهی آنان از راه معصیت و نافرمانی خدا نباشد (ورشکستگان بی تقصیر) .

۷ - در کارهای نیک از قبیل ساختن پل، بیمارستان، مساجد و خرید مهمات جنگی و امثال آن .

۸ - کسانیکه از وطن خود دور افتاده و مخارج رسیدن بوطن را ندارند درصورتیکه سفر برای معصیت و ولگردی و بیعاری نباشد .

## زکوة فطره

قسم دوم از اقسام زکوة، زکوة فطره است و آن مقدار ۳۸ سیر و ۷ مثقال (۹ رطل عراقی گندم و امثال آن) است که باید با شرائط ذیل برؤیت هلال شوال برای حفظ بدن بفقرا داد .

شرائط وجوب زکوة فطره و پرداخت آن : ۱- زکوة فطره بر مکلف، آزاد و چیزدار واجب است که از طرف خود و هرکس مخارجش برعهده اوست حتی مهمان باید بپردازد، خواه نانخوار و مهمان، کافر باشد یا مسلمان . کوچک یا بزرگ

۲ - برای کسانی زکوة میدهد که موقع رؤیت هلال شوال عائله و نانخوار او محسوب شوند بنابراین اگر بعد از رؤیت هلال بچه پیدا کرد یا مهمان باو رسید زکوة فطره بر او واجب نیست

۳ - جنس زکوة از قوت و خوراک غالب داده میشود مثلاً اهالی مازندران بهتر است برنج و اهالی و مردمان عراق عجم گندم بپردازند (دادن عین گندم و برنج یا جو و غیره لازم نیست

بلکه پرداخت قیمت آنها کافیست

۷- باید در شب یا روز عید پرداخت و با گذشتن وقت از عهده او بعنوان زکوة فطر ساقط و گناهکار شناخته میشود ولی بامید پذیرفته شدن نزد خدا بعنوان صدقه میپردازد.

تبصره: اگر فطریه را از مال خود جدا کرده و برای پیدا کردن مستحق از موعد مقرر تأخیر بیافتد اشکال ندارد

## اهمیت زکوة در زندگی فردی و اجتماعی

چنانکه خواندید در این عبادت یعنی زکوة. احسان و دستگیری از بی‌نوایان و کومک بتشکیلات اجتماعی نهفته و رعایت شده است. بنابراین روی اعتقاد بزدی که از طرف آفریدگار بزکوة دهنده مرحمت میشو. از جان و دل مردم حاضر میشوند زکوة را که در حقیقت مالیاتی است بپردازند و تدریجا بگذشتن از مال و ناچیز شمردن آن که بسیار کارمشکلیست عادت و نظر خویش و بیگانه را بخود جلب میکنند و مهر خود را در دلها جا میدهند. که: الانسان عبید الاحسان و از این علاقه و محبت در پستی و سختی روزگار نتیجه گرفته در غم و شادی با او هم آهنگ میشوند و از طرف دیگر چون بنیاد کاخ عظمت ملت و کشور به نیرو و سرمایه بستگی دارد. در نتیجه ثروت هنگفتی که از زکوة فراهم میآید ویرانیهای کشور، آباد و عموم کارهائیکه در بقا ملیت و پیشرفت کشور دخیل است اصلاح میشود، میتوان گفت یک قسمت مهم پیشرفت مسلمانان در صدر اسلام که شرق و غرب را زیر قدرت و اختیار گرفتند بوسیلهٔ زکوة انجام شد پس باید این حس را در خود و دیگران تقویت کرد و با علاقه که بسعادت کشور و ملت خود داریم باید بدانیم که ایمان و زر و زور (زکوة، خمس و دفاع) بتقویت یکدیگر

پرچم استقلال و عظمت را براوج گردون باهتزاز میآورند :

# باب خمس

قرآن : وَاعْلَمُوا اَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْئٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتَامٰى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ

معنی - بدانید که از هرچه سود ببرید یک پنجم آن بخدا و پیغمبر و خویشاوندان او و یتیمان و درماندگان و دور افتادگان از خانه و زندگی، تعلق دارد .

**تعریف** - خمس دادن یک پنجم از سود و بهره است بطریق مخصوص

## اموالی که باید خمس آنرا داد

خمس در ۷ چیز واجب است ۱- غنیمتی که از جنگ بدست میآید ؛ ۲- معادن. ۳- آنچه بوسیله غواصی از دریا بیرون آرند ( درصورتی که آنچه از دریا بغوص بیرون آید بمقدار یک مثقال شرعی طلا قیمت داشته باشد ۴- گنج درصورتی که بمقدار بیست دینار باشد ۵- کلیه فوائدیکه از بازرگانی و کسب و کار تحصیل میشود ۶- مال حلال که بحرام مخلوط شود ۷- زمینی که ذمی از مسلمان خریداری میکند

مصرف خمس - خمس را باید دو قسمت کرد یک قسمت از امام است که سهم خدا و رسول و خود او از جهت سهم خویشاوندی باشد ، و این سه سهم را امام در کارهای نیک مانند ساختن پل و غیره بمصرف میرساند .

بخش قسمت دیگر را مکلف با امام به بی چیزان و درماندگان از وطن آواره شدگان سادات میدهد .

تبصره - اگر مقدار خمس کم است و عدد بینوایان بسیار ، بر امام است که !

سه سهم دیگر آنان را نگهداری کند

## احکام این مبحث

۱- وجوب خمس بر چیزهائیکه گفته شد (غیر از غنیمت) بعد از مخارجی است که درتحصیل آن مصرف شده و در خصوص سود و منفعت از تجارت، مخارج سالیانه خود را بر حسب شأن و مقام برداشته هرچه ماند خمسش را میدهد.

خاتمه - چهار چیز است که مالک آن امام ومختص باوست.

۱- زمین و دیاریکه از دشمنان دین بدون جنگ گرفته شده.

۲- زمینی که مالک معین برایش نیست.

۳- کوهها، دره ها وکنار دره ها وبیشه ها.

۴- آنچه مخصوص بشخص پادشاه شکست خورده بوده چون زره، شمشیر، انگشتر وغیره

تذکر- مختصات امام درزمان غیبت امام برای پیروان او حلال است ومیتوانند زمینهای بائر یا دامنه های کوهها را تصاحب کرده از آنها فائده برند.

اهمیت خمس - درحقیقت قانون خمس، دوش بدوش زکوة درزندگی اجتماعی حرکت کرده مفید است زیرا چنانکه خواندیم زکوة بهر اندوخته و مالی تعلق نمیگیرد و چون مردمی از راه بازرگانی وکشاورزی سودهای هنگفت و بی حساب میبرند. در این صورت اگر اینان خودسر ورها شوند، دو عیب دارد یکی آنکه دهندگان زکوة نیز در پرداخت زکوة سست و بی علاقه میشوند، و دیگر آنکه خود این نوع مردم بپول پرستی و دلبستگی بدنیا خو میکنند و بعلاوه ممکن است، احتیاجات نابهنگام پیش آید، و مالیاتی که از زکوة جمع شده بودجه کشور را تأمین نکند باین جهت دین مقدس اسلام قرار داد، بطور کلی ۲۰ از صد درآمد خالص را (یعنی بعد از وضع مخارج از

هر ثروت و اندوخته چه درآمد کشاورزی از قبیل برنج و نخود و امثال آن وچه درآمد بازرگانی ) بعنوان خمس باید بپردازند تا امام و سرپرست اجتماعی مسلمانان در راه یک نوع از فقرا و درماندگانی که از گرفتن زکوة محرومند ، در طریق مصالح اجتماعی از قبیل راه سازی بنیاد مدارس و بیمارستانها و مخارج محصّلین بی بضاعت و تسلیحات و پرورش سربازان جنگی و امثال آن مصرف کنند .

درحقیقت شارع مقدس اسلام برای پیشرفت امر کشاورزی و آسایش خاطر کشاورزان ، مالیات ارضی را بر گندم وجو که مواد اولیه زندگی بشمار میروند سنگین نبسته و ۵ درصد یا ده درصد تعیین فرموده تا درامر کشاورزی تشویق شوند ، و مالیات اساسی بچیزهائی تعلق میگیرد که ممکن است بیک بار سود و منفعت بیشمار ، ازآن حاصل گردد مانند یافتن گنج یا بالا رفتن نرخ مال التجاره باندازه ای که خود بازرگان از تصور آن عاجز بوده یا برنج و نخود و حبوباتی که اگر دقت کنیم ماده اوّلی زندگی نیستند . و بعد از کم کردن مخارج سالیانه ، ممکن است مقدار هنگفتی ازآن برای مالک ذخیره بماند و همه این طبقات چنانکه گفتیم یک پنجم آن را باید بپردازند .

پس باید سعی کرد اوّلاً مردم را مسلمان بارآورد و پرورش داد تا بدانند ، اگر همه عمر نماز و روزه وحج بسر برند وخمس و زکوة ندهند ، اعمال وعبادات آنان پذیرفته نیست . ، زیرا فرموده اند کسی که خمس و زکوة ندهد درخانه ، خوراک و پوشاک او همه مسلمانان شرکت وحق دارند ، وبنابراین درمکان و لباس غصبی نماز خوانده ، و با غذای دیگران روزه گرفته ،

وافطار کرده ، و در زمانستونی او نیز اشکال پیدا میشود زیرا مال مردم را بهر قرار داده ، و با غذای مردم فرزند آورده .

ثانیاً : قدمی برداشت که تشکیلات روحانی و سیاسی ملت بیکدیگر خوشبین و نزدیک و هم آهنگ شوند و در بنیاد و حفظ استقلال و آبادی کشور همکاری کنند ، تا بدستور فقهای ارجمند و گرامی مردم مسلمان بدون احتیاج بمأمور مالیات بردرآمد ، و کمیسیون تشخیص ، و ادارات پر عرض و طول از جان و دل وظیفهٔ خود را انجام داده خویشتن را از زیر بار مسئولیت در برابر دستگاه دادگستری خداوند بیرون آرند .

# باب صوم «روزه»

قرآن - یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ الخ

ترجمه - ای مسلمانان قانون روزه برای شما تدوین و نوشته شده چنانکه بر ملل پیش از شما نیز واجب بوده .

تعریف - صوم در لغت عرب بمعنی خودداری از خوردن ، نوشیدن سخن گفتن است ، و در زبان قانونگذار اسلام خودداری کردن از چند چیز است . (از سپیده دم تا غروب آفتاب) و در سه فصل احکام آن بیان میشود

## فصل اول - شرایط وجوب وصحت روزه

شرط وجوب روزه دو چیز است : ۱ - بلوغ ۲ - کمال عقل پس بر کودک ، دیوانه ، و بی هوش روزه واجب نیست .

شرائط صحت روزه ۴ است .

۱ - مسلمان بودن (۱) ۲ - تندرستی ۳ - مسافر نبودن ۴ - حائض ونفسا نبودن .

نیت - در بنیاد روزه اینکه برای خشنودی خدا وگردن نهادن بردستورات او بجا می آورد واینکه تنها اوست سزاوار این پرستش و بندگی شرطست (پس اگر از دریچه جز پروردگار ، روزه یا سر عبادتی انجام شود بنیاد آن روزه ، عبادت برآب است)

---

۱ - پس از کافر روزه پذیرفته نیست اگرچه براو واجب است ، استثناءً اگر مسلمان شد قضا ندارد ولی دیگران هنگامیکه عذرشان برطرف شد باید قضای آنرا بجای آرند .

## فصل دوم - مفطرات روزه

در روزه از چند چیز باید خودداری کرد :

(۱ و ۲) خوردن و آشامیدن (خواه معتاد چون نان و آب چه غیر معتاد مانند خاکستر و شیره درخت . (بقیه در پاورقی نوشته شده و تدریس آن لازم نیست ،

۳- نزدیکی با زنان ۴- کاریکه موجب خروج منی شود (درصورتیکه منی هم خارج شود ، ۵- ماندن بر جنابت تا سفیده صبح ۶- خوابیدن با جنابت تا صبح (هرگاه دو بار بیدار شود و در رفتن غسل اهمال کرده و باز خوابیده است ) .

۷- رساندن گرد و خاک به حلق ۸- بر خدا و پیغمبر و ائمه دروغ بستن ۹- سر زیر آب فرو بردن ۱۰- اماله کردن بمایع ۱۱- قی کردن .

تنبیه - آنچه گفته شد هنگامی روزه را در هم می شکند که با توجه و اراده انجام گیرد پس اگر از روی غفلت و فراموشی باشد روزه باطل نیست .

## فصل سوم در جریمه و پاداش

هرگاه یکی از مفطرات را عمدا بجا آورد باید علاوه بر قضا شصت روز پی در پی روزه بگیرد یا به گرسنه را اطعام دهد و سیر کند و یا یک بنده در راه خدا آزاد کند در چند مورد تنها موجب قضا است :

۱- بدون پژوهش اینکه صبح شده چیزی بخورد و معلوم شود صبح بوده ۲- بگفته دیگران که صبح نشده افطار کند با اینکه خود توانائی بر تحقیق داشته و معلوم شود صبح بوده است ۳- بی اعتنائی بگفته آنکه میگوید صبح شده ۴- هنوز شام نشده بگفتار گوینده که شب شده روزه را خوردن ۵- آب در دهان گردانیدن بقصد خنک شدن و فرو رفتن آن

## فصل چهارم - در اقسام روزه های واجب

چهار روزه واجب است ۱- ماه رمضان ۲- روزه کفاره (بقیه در صفحه بعد)

اهمیت روزه - روزه از وظایف بزرگ الهی است ، که ترک آن
موجب کیفر و یا داشتن از اداره عدل پروردگار ، و دور افتادن ، از حریم
قدس الهی است ، مکلف مسلمان باید بداند ، که اگر در روزه سهل انگاری کند
گناه بسیار بزرگی را مرتکب شده ، و برعکس اگر بفرمان آفریدگار تن داده ،
چون او فرموده روزه دهد عبادت را انجام دهد . نزد خداوند و بندگان خدا ،
خوب بوده ، روزی که زر و سیم ، پایه و نسب و پیوند بکار نمی آیند ، بمقام ارجمند
لطف و مهر خداوند نائل میگردد .

روزه آئینه دل را از زنگار خودخواهی و خودپرستی میشوید .

روزه دار از تحمل تشنگی و گرسنگی ، دو سود بزرگ در دنیا میبرد :
یکی آنکه بشکیبائی خو میکند ، و در ناملایمات خود را نمیبازد و
اگر در بیابان تشنه و گرسنه شد ، میتواند لااقل چند ساعت یا یک شبانه
روز با این درد مقاومت و چاره جوئی کند ، هرگاه در کارزار گرفتار شد عادت
بر گرسنگی و تشنگی ، نمیگذارد بزانو درآید

---

(بقیه حاشیه صفحه قبل)

۳ - قضای ماه رمضان ۴ - نذر و شبه آن .

خاتمه - رمضان ثابت میشود بدیدن ماه و یا گذشتن سی روز از شعبان
، یا گواهی دادن چند نفر ، که گفتارشان اطمینان پیدا میشود .

تذکر - روزه عید فطر ، و عید قربان حرام است و همچنین کسی که در موقع زیارت
حج ، در منی است ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه را نیز نباید روزه باشد .

دوم ـ آنکه مردمان ثروتمند ، که همیشه سیرند میفهمند ، که چه اندازه گرسنگی دردناک وتحمل آن ناگوار است ناچار بفکر بی نوایان افتاده وباتان کومک میکنند ، ودرنتیجه مهرومحبت ثروتمند دردل درویش رخنه میکند ، وطبقات دارا ونادار ، بزرگ وفرومایه بهم مربوط وباهم مهربان شده ، زندگی ملی واجتماعی ایشان محکم ، واز هرگونه گزند محفوظ میماند.

# باب حج (۱)

قرآن - لِلّٰهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً

ترجمه : وظیفه مردم تواناست ، که برای رضایت خدا ، خانه اورا زیارت کنند(۱)

تعریف - حج در فرهنگ عرب بمعنای قصد ، و نزد بزرگان رفتن و در قانون اسلام ، کارهای مخصوص است که در جاهای مخصوص باید بجا آورد ، چنانکه در پنج فصل خواهیم گفت .

## فصل اول

## در این فصل شرائط و اقسام حج و میقاتها گفته میشود

اول شرائط - زیارت کعبه واجب نیست ، مگر بر شخص بالغ و عاقلی که از جهت مال و اندوخته و پیمودن راه و تندرستی ، توانا باشد پس بر کودک ، دیوانه ، کم چیز ، بیمار و یا ناتوان از پیمودن راه (بهر علت که باشد) روا نیست ، و پذیرفته نیست ، مگر از مسلمان و در همه عمر جز یک بار واجب نیست .

دوم - تقسیم - حج سه گونه است : تمتع ، قران ، افراد .

حج تمتع ، بر کسی واجب است که از مکه تا خانه اش بیش از ۱۲ فرسخ (۷۲ کیلومتر) فاصله باشد ، ولی قران و افراد مخصوص نزدیکان بمکه است تا ۱۲ فرسخ .

سوم میقات - میقات در لغت ، زمان یا مکان معینی را گویند که برای انجام

---

(۱) رو بآستان کعبه آوردن ، دگرد خانه خدا گشتن ، تنها از قوانین اسلام نبوده ، بلکه بنابر گفته گروهی آدم و فرزند او شیث ، خانه کعبه را زیارت کرده اند ، زیارت حضرت ابراهیم و اسمعیل و پس از آن تا ظهور اسلام را هم نگارندگان اخبار و مورخین نگاشته اند .

اقسام میقات شش است ۱ - ذوالحلیفه جائیست ، در دو فرسنگی (۱۲ کیلومتری) مدینه و مردم آن شهر ...

داری تخصیص داده میشود و درجه مکانی است، که روی آورندگان بحج باید از آنجا جامه احرام پوشیده، خود را برای شرفیابی بآستان پروردگار مهربان خود آماده کنند.

## فصل دوم - عمره

عمره دارای چهار عمل است. احرام، طواف، سعی و تقصیر.

احرام - احرام پوشیدن دو جامه، ندوخته است، یکی چون لنگ و دیگر هم چون عبا. و در هنگام پوشیدن، باید قصد کند. عمل را برای گردن نهادن بدستور خداوند، و رضایت او انجام میدهد، و در آن حال این کلمات را میخواند

لَبَّیْکَ اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ وَالْمُلْکَ لَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ

تذکر الف - برای زنان پوشیدن جامه های ابریشمی و یا دوخته روا است ولی جامه احرام

---

(بقیه از صفحه قبل) از آن راه بمکه میروند از آنجا باید محرم شوند (چون علف مخصوصی در آن بیابان است که آن را حلیف گویند آن بیابان را ذوالحلیفه نامیده اند).

۲ - جحفه در ۱۸۶ کیلومتری مکه، و احرامگاه مصریان و شامیان و گذرکنندگان از آن راه است (چون موقعی سیل آنجا را برده و ویران کرده است لذا جحفه اش میگویند (مستند).

۳ - یلملم (کوهی است در دو منزلی مکه) و میقات یمنیان است.

۴ - قرن المنازل - دهی است نزدیک طائف و میقات طائفیان از بیابان آن ده است.

۵ - عقیق - بیابان پهن در سمت عراقیان، از آن بیابان احرام می بندند (بیابانی که سیل شکافته و برده عقیق گویند).

- برای کسانیکه حج تمتع بجا می آورند.

مردان، باید ندوخته، یا پارچه ای باشد که نماز در آن، برای آنان رواست(۱)
ب - جامه احرام نباید باندازهٔ نازک باشد، که تن از زیر آن پیدا باشد

دوم - طواف (دور کعبه گشتن)

وظائف - از آغاز تا پایان طواف، ده وظیفه، باید انجام داد،
۱ - طهارت (وضوء یا غسل و یا تیمم، بشرحی که در طهارت گفته شده است)
۲ - پاک بودن جامه و تن ۳ - عورت را پوشانیدن ۴ - نیت یعنی بجا آوردن طواف برای خدا ۵ - آغاز کردن از حجرالاسود، و انجام دادن بآن ۶ - خانه خدا را در سمت چپ گرفتن ۷ - میان مقام ابراهیم و خانه طواف کردن ۸ - حجرالاسود را جزء طواف قرار دادن ۹ - هفت بار بدون کم و زیاد بدور خانه گردیدن

---

۲ - محرمات احرام - محرم از هنگام پوشیدن جامه احرام تا آنگاه که محرم است از بیست کار باید دوری جوید

۱ - شکار دامهای بیابانی که گوشت آنها خوردنی است. (حُرِّمَ عَلَیْکُمْ صَیْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُماً) تا آنگاه که محرمید شکار حیوان بیابانی بر شما حرام است
تبصره ۱ - بدیگری نیز نباید دستور دهد که شکار کند
تبصره ۲ - از گوشت شکار هم نباید بخورد.
۲ - زناشوئی چه رسد، بهره بردن بنگاه و غیر نگاه ۳ - کاری کردن که باعث بیرون آمدن منی شود
۴ - جامه دوخته پوشیدن برای مردان ۵ - اجسام خوشبو را برای بوئیدن همراه گذاردن
۶ - جسم بدبو با خود برداشتن ۷ - سرمه بچشم کشیدن ۸ - روغن بمالی کردن ۹ - بکلمهٔ (لا والله و بلی والله) سوگند یاد کردن ۱۰ - دروغ بستن بر خدا و پیغمبر و امامان ۱۱ - در آئینه نگاه کردن ۱۲ - ناخن گرفتن ۱۳ - تراشیدن یا کم کردن مو ۱۴ - پوشیدن سر برای مردان، ورخ برای زنان

(بقیه در صفحه بعد)

۱۰- دو رکعت نماز طواف پشت محلی که معروف بمقام ابراهیم است خواندن

## سوم - سعی میان صفا و مروه

صفا، و مروه دو تپه کوچک بوده و فعلاً در دو طرف شهر مکه واقع اند:

اعمال سعی - در سعی صفا و مروه سه چیز واجب است: ۱- نیت ۲- آغاز از صفا و انجام بمروه ۳- عدد آن هفت بار است، بدون کم و زیاد که افزودن یا کم کردن آن باعث بطلان عمل است و باید از نو شروع کرد.

## چهارم - تقصیر

بعد از انجام سعی باید ناخن گرفت. و موی سر را کوتاه کرد، و تراشیدن جایز نیست

تذکر - پس از تقصیر، عمل عمره بپایان میرسد؛ و هرچه بسبب احرام حرام شده بود حلال میشود

# افعال حج

## در حج ۱۳ عمل باید انجام داد

۱- احرام ۲- وقوف بعرفات ۳- وقوف بمشعرالحرام ۴- منی و اعمال آن ۵- طواف حج ۶- سعی میان صفا و مروه ۷- طواف نساء ۸- رمی[1] جمره ۹- بیتوته

---

(بقیه از صفحه قبل) ۱۵- حنا بستن ۱۶- انگشتر برای آرایش در دست کردن ۱۷- پوشیدن کفش و یا هرچه روی پا را بپوشاند برای مردان ۱۸- در سایه راه پیمودن ۱۹- سلاح جنگ پوشیدن، بجز هنگام ناچاری ۲۰- درخت و گیاه حرم را بریدن و کندن

تبصره - جریمه مخالفت، از آنچه را گفته شد، در فصل جداگانه خواهیم گفت

۱- رمی بمعنای پرتاب کردن و جمره بمعنای سنگ ریزه است (المنجد)

۲- احرام حاجیان روز هشتم یا نهم ذیحجه از خود مکه دوباره برای اعمال حج محرم میشوند ترتیبی که در احرام عمره گذشت

(بقیه در صفحه بعد)

اهمیت حج در زندگی فردی و اجتماعی - کسیکه باسلام و مسلمانی افتخار دارد باید ارزش و شخصیت خود را در اطاعت فرمان و قانون اسلام بداند ، و زیارت خانهٔ خدا یکی از وظائف مهم ، و ترک آن موجب کیفر و آتش دوزخ است ، بطوریکه فرموده اند ، هرکه شرایط وجوب حج در او جمع شود ، و ترک کند تا بمیرد همانا مسلمان از دنیا نرفته است ، ما باید یک نکته را در دل جا ، و همیشه در برابر چشم قرار دهیم ، و آن بی نیازی خدا است از هر کردار زشت یا زیبائی که ما اختیار و دنبال کنیم ( گر جملهٔ کائنات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشیند گرد )
و بعد از این نکته معتقد شویم که در هر یک از اوامر و نواهی خداوند هزاران هزار سود و مصلحت اجتماعی و انفرادی نهفته ، که نیروی خرد و اندیشه بیک بار نمی تواند همهٔ فوائد آن را ادراک کند . اسلام در شبانه روز ، مردم کوچه ها و محلات را بعنوان نماز جماعت ( و آن همه مزد که برای نماز جماعت قرار داده ) پنج مرتبه گرد هم جمع و از غم و شادی یکدیگر ایشانرا باخبر میکند ، سپس در نتیجه نماز جمعه ، مردم شهرها

---

( بقیه از صفحه قبل ) چنانکه گفته شد ، در حال احرام ، نباید از جانوران بیابانی که حلال گوشت اند ، شکار کرد ، اینک باید دانست ، پاداش کسی که باین دستور تجاوز کند چیست ؟

۱- هرگاه محرم شترمرغ در حال احرام شکار کرد باید بجای آن یک شتر ماده قربانی کند و بفقرا دهد و اگر شتر یافت نشد قیمت آنرا باید گندم خریده و بهر گدائی نیم من ۱٫۵ کیلوگرم ، گندم داد ، اگر ناداراست ۶۰ روز و با ناتوانی ۱۸ روز روزه بگیرد .

۲- کفاره در گاو وحشی و گوره خر وحشی کشتن یک گاو اهلی است و در نبودن گاو ، پولش را گندم خریده صدقه میدهد ، درصورت نداشتن پول نه روز روزه بگیرد .

۳- در کشتن آهو ، مانند آن باید گوسفند قربانی کرد ، درصورت نبودن گوسفند ( بقیه در صفحه بعد )

یکبار با هم انجمن و بدرود همدیگر رسیدگی میکنند و بالاخره سران ملت وثروتمندان همه مسلمین را که هزاران فرسنگ از هم دور، و با هم نا آشنایند، در خانهٔ خود میخوانند انجمن بین المللی مسلمین، در مکه معظمه تشکیل، و امور اقتصادی و سیاسی و روابط ایشان، با هم روشن و منظم میشود - اگر مسلمین بفهمند، و باین اجتماع خود اهمیت دهند، در هر گوشه جهان و هرچه از هم دور باشند چون زنجیر بیکدیگر پیوسته و یک وحدت شکست ناپذیری در آنان ایجاد میشود، که هر نیرو و قدرت بیگانه در برابر یگانگی آنان بزانو درآمده برابر ایشان تسلیم می شود و بنیروی این اجتماع در زندگی انفرادی نیز کامیاب میشوند.

---

(بقیه از صفحه قبل)

مثل دو موضوع فوق رفتار میکنند واگر ناچیز است سه روز روزه میگیرد.

۴- برای شکستن تخم کبک و نظایر آن یک بره واجب است

۵- اگر محرم، کبوتر حرم را شکار کرد باید یک گوسفند قربانی کند و غیر محرم قیمت درهم بفقرا صدقه دهد (تقریباً ده شاهی نقره)

۶- در کشتن کبوتر جاهی و نظایر آن یک بره که بچرا افتاده باید قربانی گردد.

۷- در کشتن گنجشک و مانند آن یک چارک گندم (۷۵۰ گرم) باید داد

# باب جهاد

قرآن ، قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ

ترجمه - بمردم بگو اگر پدران ، فرزندان ، برادران ، همسران ، خویشاوندان وزر وسیمی که فراهم آورده ، و بازرگانی که از ناروا جی آن میترسید ، وکاخهای دلپذیر ، نزد شما محبوب ترند از خدا و پیغمبر و جنگ درراه خدا ، پس منتظر باشید تا بوم بدبختی ، بر سر شما پر و بال زند ، و بفرمان خدا بخاک سیاه تان نشاند .

بقدری در قرآن کریم و گفته های پیغمبر و امامان بخصوص جهاد و دفاع از جان و مال و ناموس مسلمانان تحریص و تأکید شده که از حد بیرون است .

تعریف - جهاد در فرهنگ بمعنای ، کوشش و رنج و در قانون اسلام گذشتن از جان و مال است در راه جنگ با دشمنان دین ، یا کسانی که بر پیغمبر یا امام وقت طغیان کرده اند .

تقسیم - جنگ در راه اسلام و مسلمین دو نوع است : یکی آنکه برای دعوت باسلام و تعرض از طرف مسلمین است دیگر آنکه ، دشمنان دین بکشور اسلامی حمله و تعرض میکنند ، و باید آنان را راند و سرکوبی داد .

تبصره - دانشمندان دین ، برای نوع اول از لفظ جهاد ، و برای نوع دوم از لفظ دفاع استفاده میکنند .

شرایط جهاد - جهاد وظیفه کسی است که : (۱) بالغ (۲) خردمند (۳) مرد

باشد ونیز بر پیر از کار افتاده ، کور زمین گیر ، و بیماری که از جنگ کردن عاجز است ؛ واجب نیست ؛

تبصره - چهار طبقهٔ اخیر اگر سرمایه وثروتی دارند که میتوانند جای خود دیگریرا بفرستند این وظیفه از آنها ساقط نیست .

۲ - شرط وجوب جهاد حضور یعنی ظاهر بودن امام است پس در زمان غیبت جهاد واجب نیست .

نتیجه - هرگاه امام عادل ، یا فرماندهی که او تعیین کرده ، دستور دهند ، طبقاتیکه بار مسئولیت جهاد بدوش ایشان است باید فرمان برده هر نوع دستور میدهد اجرا کنند . وچون فعلاً امام غایب است ما در اطراف جهاد بحث نمکنیم .

دفاع - هرگاه دشمن بکشور اسلامی چشم طمع دوخت ویا تعرض وحمله کرد دراین موقع نباید بانتظار امام عادل ، درخانه نشست ، بلکه برفرض زمامداران امور شایسته و عادل نباشند ، باز باید مسلمین از حقوق وکشور خود دفاع کرده ، مطابق دستوری که بآنان داده میشود ، دشمن ، یا آنکه را بحکومت مرکزی مسلمین ، بسرکشی برخاسته از پا درآورند .

تذکر ۱ - درقضیه دفاع ؛ شرائطی که برای جهاد گفته شد ، از بین میرود . یعنی زن و مرد ، تندرست وبیمار ، سالم ولنگ ، بینا و نابینا همه یکدل ویک زبان از کشور وملت خود دفاع ، وجان ومال خویش را درطبق اخلاص گذاشته تقدیم مذهب ومیهن کنند ؛

تذکر ۲ - مستحب مؤکد وبسیار بموقع است ، که گروهی از مسلمین ، برای نگهداشتن مرزها ، درحدود کشور ، همیشه آماده بجنگ وبحالت خبردار توقف کنند

(هرچند در زمان غیبت امام علیه السلام باشد)

تذکر ۳ - اگر کسی نذر کرد (بین خود و خدا تعهد کرد) برای مرزبانان ارمغان یا پولی بفرستند، این تعهد صحیح است، و باید بنذر خویش عمل کند، و نمی تواند آنچه را نذر کرده، بمصرف دیگری هرچند خیر و پسندیده باشد، برساند

اهمیت دفاع در زندگی فردی و اجتماعی - پرورش حس دفاع، مرد را چون کوه در حوادث روزگار نگه داشته، او را روئین تن بار می آورد، مردم جنگی در برابر ناملایمات چون بید نلرزیده، دست و پای خود را گم نمیکنند، مرد زبون سست اراده و زبون نیست و نمیگذارد بحقوقش تجاوز شود، حال اگر افراد یک ملت همه با قوه دفاع از حقوق خود، تربیت و هم آهنگ شوند، بیگانگان نیز با دیده احترام بایشان نگریسته، خیال تجاوز بمرز و بوم ایشان را از خاطر نمیگذرانند، روی همین اصل علی علیه السلام میفرماید:

سوگند بخدا، مردمی که در خانه نشسته و برای دفاع از آب و خاک و حقوق خود خویش را آماده نسازند، ابر خواری باران مرگ بر سرشان باریده و سیل بدبختی خانه بر سرشان ویران، و درخت حیوة و امیدشان را از ریشه میکند و هستی ایشان را بیگانگان تاراج و یغما میبرند.

# باب امر بمعروف و نهی از منکر

وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ • (آل عمران آیه ۱۰۰)

ترجمه - باید از شما مسلمانان جمعی باشند که مردم را بنیکی دعوت یعنی بکار پسندیده وادار و از کار زشت منع کنند .

قرآن ! كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ • (آل عمران آیه ۱۰۶)

ترجمه - بهتر جمعیت و گروهیکه ، برای دستگیری و نمودن راه خوشبختی قایم کرده شما مسلمانانید ، زیرا مردم را بکارهای پسندیده وادار . و از آنچه نکوهیده است منع میکنید .

مقدمه - در اخلاق میخوانید که خداوند نیروئی در نهاد مردم بودیعت گذارده که انسان را باقدام در کارهای پسندیده تشویق و از کارهای ناشایست منع میکند و آن وجدان است . از خیابان عبور میکنید بدبخت و بی خانمانی را می بینید ، در کنار خیابان از سرما می لرزد آنکه قدم شما راست کرده بشما میگوید اورا بمنزل برده گرم کنید و بپوشانید وجدان است ، اگر بکاری ناشایست دست زده باشید یک نوع شرمندگی در خود احساس وحتی الامکان سعی میکنید کسی ملتفت نشود . این شرمساری در نتیجه همان وجدان است ولی گرفتار شدن در محیط های فاسد ، بدبختی در زندگی ، حوادث ناگوار ، فقر و بیچارگی ، همه اموری است که تدریجاً روی فرمان وجدان را میپوشد و آنرا آلوده می سازد در این موقع لازم است ،

ز رمندان اخلاق به تعلیمات اخلاقی و قدرت نمائی خود، گرد و غبار فساد را از آئینه جدان بشویند و ابرهای تیره خطاکاری را از جلو تابش خورشید وجدان متفرق کنند

ز آغاز آفرینش تاکنون تاریخ نشان میدهد که هیچ روشنفکر و بزرگی باندازه پیغمبر اسلام، توانسته باشد قوانین نیک و بد اخلاقی را تنظیم و با بهترین روش و بـ ـتر، در اجرای آن فرمان داده باشد. إِنِّي بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (من برای تکمیل بزرگواریهای اخلاقی قیام کرده و مبعوث شده ام).

در فروع دین اسلام از کارهای پسندیده اخلاقی، به (معروف) و از کارهای ناپسند (بمنکر) تعبیر میشود.

وظایف دینی بعضی واجب است چون نماز و روزه و دفاع از میهن و احسان پدر و مادر و بعضی مستحب: چون احسان و تعاون و دسته ای ناروا و حرام، چون باده نوشی، قماربازی، دروغگوئی، خیانت بکشور، دزدی، تعرض بجان و مال و ناموس مردم و بعضی زشت و مکروه چون پرخوری، بخل، و بی اعتنائی بمردم.

تقسیم. اگر کارهای اخلاقی واجب یا حرام و یا مکروه است، امر بمعروف و نهی از منکر واجب و اگر مستحب، امر بمعروف مستحب است.

شرایط - با چهار شرط امر بمعروف و نهی از منکر واجب میشود.

۱- شناختن خوب و بد - پس برکسی که کارهای زشت اخلاقی را از زیبا امتیاز نداده واجب نیست.

۲- امید تأثیر - پس اگر یقین داشته باشد کلام او در شنونده چون نقش برآب است امر و نهی واجب نیست.

۳ - اصرار - یعنی آنکه بکارهای زشت اقدام، و امور پسندیده را ترک میکند بعقیده و عمل خود باقی باشد، پس اگر از آثار و علائم فهمیدیم از شیوه پست خود پشیمان شده دست بر میدارد در اینصورت واجب نیست.

۴ - آنکه امر و نهی موجب فساد نشود، بنابراین اگر کشمکش و خونریزی بپا میکند باز واجب نیست.

چگونگی اجراء - اگر میخواهید دوست خود یا دیگری را که نماز نمیخواند، یا دروغ میگوید، یا تهمت میزند، یا خودخواه و خودپسند است، از این اعمال زشت منع، و او را هدایت کنید، مراتب زیر را رعایت فرمائید:

۱ - باو هیچ نگوئید، ولی نوعی با او نشست و برخاست و سر و صحبت کنید که بفهمد دل سردی و سرسنگینی شما، برای کارهای زشت او است، و از آنها دست بردارد «این عمل را اعراض[1] بدل گویند»

۲ - با پند و اندرزهای مناسب، و زبان نرم و شیرین، بگوئید حیف است کسی که خود را مسلمان میخواند و در کشور اسلامی تربیت یافته، و بیگانگان او را مسلمان میدانند، کاری کند که برای اسلام و ملیت او ننگ آور باشد، کسی که بوظائف ایمانی و مقررات ملی خود پشت پا زند، از چشم همه می افتد، و از همان آغاز زندگی مردم باو بدبین، و در جامعه بدبخت میشود.

۳ - هرگاه این گونه کلمات مفید واقع نشد، میتوان بکلمات زننده و تند و اینکه باولیای امور یا پدر و دیگران اطلاع میدهم او را هدایت کنید.

۴ - درصورتی که پند و اندرز فایده نکرد، بکتک و چوب باید متوسل شد

---

(۱) اعراض چون اغماض

ولی بشرطی که بزخم زدن بازگشتن ، منتهی نشود ، واگر باز بعمل زشت خود اصرار داشت دیگر تکلیف از گردن افراد ساقط ، وکار چنین شخص و هدایت او بعهدهٔ زمامداران و مقامات صلاحیت دار جامعهٔ اسلامی است که عمل زشت او را با قوانین تطبیق ، و مطابق آن او را مجازات کنند ، والبته باید پیشوایان اجتماعی این عمل را از بزرگترین وظائف خود دانسته ، در انجام آن کوتاهی روا ندارند تا نزد خدا و جامعه مسئول نشوند ، و بدانند ملتی که بقواعد اخلاقی و مراسم ایمانی خود ، پابند نباشد ، دیر نپاید ، و زود از پا درآید .

**تأثیر امر بمعروف ونهی از منکر در زندگی** - میتوان گفت مأمور اجرای وظائف شرعی . (از الهی واجتماعی) امر بمعروف ونهی از منکر است زیرا چنانکه گفتیم در این دو موضوع ، سلطنت و حکومت با وجدان پاک است .

**وسیله پیشرفت وانجام** - اگر مردم در کشور تن بفرمان وجدان گردن نهند ، هیچ وقت پیرامون گناه ، آزار ، ستمگری ، رشک ، کینه و آز بر نمی آیند ؛ و بهم مهربان و در شادی و غم یکدیگر شریکند ، و مقصود از شرافت و بزرگواری انفرادی همین دور بودن ، از صفات ناپسند ، و خو گرفتن بعادات پسندیده است . که در آغوش آن تکامل اجتماعی هم پیدا میشود و جهانیان از آشوب و خونریزی ، و پایمال ساختن حقوق یکدیگر آسوده میشوند .

اگر مردم ثروتمند مطابق قانون اسلام ، از سرمایه های هنگفت و بی حساب خود ، بحال بینوایان و تنگدستان رسیدگی کنند و بخشی از آن را بتأسیس بیمارستان و بنگاههای عام المنفعه برسانند ، مردم فقیر را سرمایه دهند تا بیکار نگردند ، آثار بدبختی محو ، و مهر و خوشبختی جانشین آن میشود . یکی از سرمایه داران مدینه در حال مرگ

دستور داد که انبار خرمای آورا پیغمبر (ص) به بینوایان تقسیم کند همینکه مرد،
و بآن حضرت خبر دادند، دانه خشکیده و کم مغزی را برداشت، و بگروه
مسلمانان فرمود: سوگند بخدا اگر بدست خود چنین دانه خرمائی بید بخت
ولگرسنه ای، میداد مزد و ارزش آن پیش پروردگار بیش از این بود،
که همه این انبار خرما بدست من که پیغمبر خدایم بفقرا داده شود

پس بدستور دیگر پیغمبر که فرمود: همه شما چوپان و هر یک مسئول کردار دیگرانند
هر کسی باندازه علم و قدرت بیان خود، از دستگیری و نمودن راه خوشبختی و اطاعت
قوانین الهی، نباید مضایقه کند و بدانید کشتی شکسته اجتماع ایران را جز گرویدن
و عمل بقوانین اسلامی از گرداب بدبختی نجات نمیدهد و بدانید، اجتماع فرزند
افراد است از مردم نالایق و پست، اجتماع لایق و شریف پیدا نمیشود.
اجتماع میوه درختی است که رگ و ریشه، جوانه و گل آن افرادند، و ریشه
گیاه تلخ، بر شیرین نخواهد داد، نژاد افیونی، الکلی دروغگولی دزدی،
رشوه خواری، قمار بازی، ستمگری، و بالاخره بی ایمانی قابل زندگی و
بقا نیست

والسلام علی من اتبع الهدی

بخط جواد شریفی

«رادسازی گیتی»

# بخش دوم
# قسمت اصول دین و آیات و اخلاق

## اصول دین

بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین

مقدمه اول - چنانکه در آغاز کتاب شرعیات گفته ایم دین اسلام آئین اجتماعی است و پیغمبر اسلام (ص) از طرف خداوند مأمور بوده است :
بارگاه زندگی اجتماعی بشر را نوعی برسرپاکند که از نفاق ، خودخواهی ، دشمنی ، بدبینی وخونریزی ، تهی ، و درعوض بوحدت ، نوع پروری ، دوستی ، خوشبینی ، مهر ومحبت ، آراسته گردد - ونیز گفتیم اسلام دین دانش و عمل است ومردم نادان را کر وکور و از گاو وخر هم پست تر دانسته زیرا مردم وقتی بوظائف وحقوق خود آشنا وانسان میشوند که با دانش آمیزش یافته وخو گیرند ، تمام بدبختی ها مولود نادانی ونابخردی است .
کشور وملت دانشمند هرچند کوچک ومحدود باشد خود را از تلاطم وطوفان دریای بلاد خواری نجات میدهد ، وملت نادان هرچند بکثرت عدد وجمعیت آراسته باشد ، بکوچکتر باد سموی پشه وار ازهم پاشیده وکثافت زبونی او جهان آفرینش را آلوده میسازد .
ازطرف دیگر اسلام دانشی را که با عمل توام نباشد ، درخت بی بر ولایق

سوزاندن میداند . در سخنان پرمغز پیشوایان دین ، بسیار دیده میشود که اگر از دانشمندی و مراتب دانش و هنر او سخن بمیان رفته ، از کردار و رفتارش نیز پرسیده اند .

پس در نظر اسلام علم و عمل دوشادوش یکدیگر ضامن سعادت و خوشی افراد و حافظ نیرومندی و عظمت ملل روی زمین بشمار میروند . اسلام در کتاب جامعه شناسی خود ، به دو نوع علم بسیار اهمیت داده و آموختن آن دو را واجب و لازم شمرده است : اول اصول دین و دوم فروع دین .

**مقدمه دوم - تعلیمات اسلام -** اسلام در تعلیمات خود فرموده اصول دین را هرکس باندازه فهم و استعداد خود با دلیل و برهان بیاموزد و فراگیرد . و فروع دین را میخواهد بوسیله اجتهاد یعنی با دلیل تحصیل کند و میتواند بگفته آنکه با دلیل آموخته ( مجتهد ) گردن نهد

**اصول دین -** همه مسلمانان خداشناسی - پیغمبرشناسی ، و اعتقاد بروز قیامت را از اصول دین میدانند ولی ملت شیعه عدل و امامت را نیز بر اصول دین افزوده است بنابراین اصول دین و مذهب پنج است .

۱ - توحید ، یعنی اعتراف بخدا و یگانگی او .

۲ - نبوت - یعنی شناختن پیغمبران .

۳ - معاد روز قیامت یعنی زنده شدن پس از مرگ و مزد و کیفر دیدن .

۴ - عدل یعنی دادگستر بودن خداوند .

۵ - امامت - یعنی پیغمبر ما مسلمانان برای بعد از وفات لوای آموزش و پرورش را بدست علی بن ابیطالب ع ... داده و این منصب یازده نفر از فرزندان و نوادگان امیر المؤمنین یکی بعد از دیگری بوده و هست .

نتیجه - اینک پس از دو مقدمه فوق اگر فیض روح القدس مدد فرماید با نهایت اختصار و درخور فهم دانش آموزان سال اول متوسطه، راه و روش استدلال در اصول دین گفته میشود، و از خدا میخواهم که بدست قدرت خود نیرو و مدد دهد، باشد که از بالاترین مرحله فکر بپائین تر درجهٔ فهم نزدیک شویم

## اثبات خداوند

### مقدمه - هر ساختمان سازنده میخواهد

هرچیزی که از جلو دیدهٔ انسان میگذرد اگرچه خرد و ناقابل باشد خواه یا ناخواه جای سه پرسش در مغز برای خود باز میکند.

یکی آنکه از چه چیز درست شده؟ دیگر آنکه برای چه ساخته شده؟ سوم آنکه سازندهٔ آن کیست؟

واین فکر از همان آغاز کودکی پیش میآید، کودک چهار پنجساله بمحض اینکه یک عروسک یا دوچرخهٔ کوچک می بیند، می پرسد: مادرجان، این بچه درد میخورد و کی آنرا ساخته (۱)

---

۱- کودک پنج شش ساله بودید با پدر و مادر بگردش سیر رفتید بمغازه ای که اسباب بازی کودکان داشت رسیده و امیدداشتید برای شما یک توپ کوچک یا سه چرخه، یا دفتر بازی کودکان را خریداری کنند و شاید مجال اینکه بخانه برگردید نداده میگفتید:

این توپ، یا این سه چرخه را کی ساخته؟ - در جواب باز بان بسیار ساده و نرم بشما میگفتند، کیلفری است در فلان خیابان دکار او ساختن توپ یا دوچرخه است.

نتیجه - معلوم میشود از همان کودکی حس میکردید که هرچیز، سازنده ای لازم دارد،

## سازنده جهان خداست

از مقدمه بالا نتیجه گرفته میگوئیم :

دلیل - ناچار ماده وهسته مرکزی این جهان پر عرض وطول (از زمین تا ماه، ستارگان وخورشید) واینهمه موجوداتی که در آن موج زده عقل را خیره میکند، نیز سازنده میخواهد، وآفریدگار آن را ما خدا میگوئیم

تعبیر دیگر - اگر انسان همین زمین تنها را در نظر آرد با آنچه در آن هست از انواع خاک، سنگ، روئیدنی، خزنده، حشره، جانور وآدمیان، خواهی نخواهی تسلیم میشود که خود بخود پیدا نشده ودست دانای توانائی آنرا ساخته واو خدا است .

اگر آدمی در شب تار بدرون گنبد آسمان نیلی فام بنگرد که چه اندازه بستارگان وکهکشان زینت یافته وبفهمد هر ستاره ای، دستگاهی چون دستگاه زمین یا چند مرتبه بالاتر در آغوش خود، جاداده، بی اختیار میگوید، عظمت وجلال، این کارگاه با عظمت را ترتیب داده وآن خدا است .

## خدا، زنده، دانا وتواناست

دلیل - چون کسی تا نباشد یا نداند، یا نتواند، ممکن نیست، چیزی را بسازد پس

---

بقیه از حاشیه صفحه قبل ، مثال دیگر - اگر فکر کنید می بینید روز بروز که بزرگ میشدید ، این نوع پرسشهای شما بیشتر وبزرگتر میشد : سازنده خانه ما کیست؟ درها را کی ساخته؟ درخت ها را درباغ وخیابان کی کاشته؟ گلهای باین قشنگی درباغ دست پرورده کیست؟ درشکه واتوموبیل را کی درست کرده، هواپیما را که با این تنه بزرگ، با شتاب عجیبی هوا را شکافته واز این سو بآن سو پرواز میکند ، کدام هنرمندی ساخته است؟ وهزاران هزار سؤال دیگر که همه بشما میگوید برای هرچیز سازنده ای هست .

ناچار خداوند زنده، دانا و تواناست.

## صفات خدا نامتناهی است

دلیل - چون بشر و شاید بسیاری از آسمانیان نیز حیوة، علم و قدرت دارند و آفریدگار باید برتر از همه باشد، پس میگوئیم:

برای زندگی، و دانش و قدرت ما، آغاز و انجام، مرگ، فراموشی و ضعف هست ولی وجود خدا از هر عیب و نقص دور است پس برای حیوة، علم و قدرت او، اندازه و حدی نیست وگرنه بر دیگران ترجیح نداشت و لایق خدائی نبود.

## یگانگی خدا «یکتاپرستی»

بشر اگر در کارها کومک یا همراز میخواهد برای نادانی، ناتوانی و سستی است که در خود سراغ دارد و اگر میتوانست هر کاری را به تنهائی انجام دهد بی آنکه خسته شود بجو دستیابید و از هیچکس کومک نمیگرفت پس ما که گفتیم از آستان قدس خداوند عجز و نقص دور است باید اعتراف کنیم، که خدا یکی است و شریک ندارد زیرا شریک گرفتن از نادانی و ناتوانی است و ما خدا را دانا و توانا میدانیم، بنابراین باید گفت.

که یکی هست و هیچ نیست جز او

وَحدَهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُو

صفات ثبوتیه و سلبیه - (صفاتی که خدا دارد و صفاتی که از خدا دور است)

برای صفات خدا کافی است آنچه را انسان برای خود می پسندد بخدا نسبت دهد و آنچه را برخود روا نمیدارد از پیرامون خدا دور بداند، بنابراین باید گفت.

خداوند. واحد (یکتا) عادل (دادور)، قادر (توانا). عالم (دانا) حی (زنده) وامثال آنست

واز ظلم، جهل، عجز، ترکیب (زیرا مرکب باجزاء خود محتاج وخدابی نیاز است) وامثال آن بی نیاز است مثلاً تجاوز وستمگری، از احتیاج پیدا میشود واحتیاج بالاترین نقص وعیب است وما گفتیم، نقص وعیب در خدا نیست، پس باید اعتراف کنیم ظالم نیست وعادل است

تذکر ۱ـ اینکه هریک از صفات ثبوتیه وسلبیه را هشت عدد شمرده اند از باب اهمیت است وگرنه میزان آن است که گفتیم.

تذکر ۲ـ ازاین بحث عدالت نیز که یکی از اصول دین (از نظر مذهب) است ثابت شد وچون گروهی از اهل سنت صفت عدالت را برای خدا لازم نمیدانند باین جهت بحث جداگانه از آن بعمل آمده است.

## رحمانیت یا مهربانی خدا واثبات نبوت

آدمی اگر بدست خود تابلو ونقشهٔ دلپسندی ترسیم کند، بآن علاقه مند ومهربان شده تمام وسائل حفظ آنرا از پاره ومحو شدن فراهم میکند ونیز چون فرزند یادگار ونمونهٔ کامل پدر ومادر است، ایشان او را بخود وانگذاشته واز روی مهر، در پرورش او میکوشند، پس خداوند هم ناچار بساخته خود نهایت علاقه وکمال مهر را اظهار میدارد (۱)

---

۱ـ سازمان جهان

اگر یادتان باشد در کودکی یا چوب کبریت یا سنگ روی زمین شکل های گوناگون میکشیدید، حالا هم در ساعت فراغت با مداد روی کاغذ صورتهای جور، اجور ترسیم میکنید سرتایی نقاشیها هر است

بزرگترین نقشهٔ ترسیمی پروردگار، انسان است که در نتیجه علم و عمل میتواند بر فراز گردون پر و بال زند.

از طرف دیگر چون دیو صفتی و خوی جانوری نیز در این معجون بکار رفته ممکن است وجدان و روان آدمیت را با ختیار رهوا و هوس گذارده خود را نابود و بدبخت سازد.

بنابراین خداوند از روی مهر و علاقهٔ کامل بدست پروردهٔ قدرت خود باید نقشه‌ای هم برای حفظ و نمودن راه خوشبختی انسان ترسیم کند تا رحمانیت یعنی مهربانی او لکه دار نگردد والبته این کار را با فرستادن پیغمبران انجام داده

## نبوت «پیغمبری»

پیغمبر یعنی یک بشر برجسته که خداوند، از نظر لطف و مهر او را مأمور کرده است تا سعادت را، از شقاوت بمردم آموخته آنانرا بکردار نیک دعوت، و از زشتی‌ها منع کند و اگر خدا پیغمبران را برای راهنمائی بشر نمیفرستاد. معلوم میشد نسبت بآدمیان که در انجام کار خوب و بد اختیار داده و راهنما نگذاشته بی مهر است و بی مهری از خدا ظلم و ظلم بر خدا ناروا است پس بعدل و مهر الهی لزوم فرستادن راهنما و پیغمبران

بقیه از صفحه قبل، که پرده‌های نقاشی او کجوج نباشد.

خدا چون کانون دانش و قدرت است ناچار بدست توانای او بی اندازه موجوداتی خلق میشود که عملیات و آثار آنها با هم تفاوت دارد

## سازمان انسان

برادر و خواهر کوچک خود را گاه نوازش و گاه اذیت میکنید با اینکه میدانید دانش آموزی بهترین سرمایه زندگی است و نادان بهیچ نمی ارزد، بازگاهی بدرس و مدرسه بی میل و بازی گوشی مایل میشوید راستگوئی را خیلی خوب میدانید، گاهی هم گول خورده و دروغ میگوئید بعد هم شرمنده میشوید از این نوع پیش آمدها فهمیده اید آدم را نوعی آفریده که در انجام کار زشت یا زیبا آزاد است.

ثابت میشود .

پیغمبران اُولُوا العزم - خداوند مهربان که با مخلوق و آفریده ... دشمنی وجنگ نداشته ، در هر دوره مطابق استعداد و بسود و صلاح مردم پیغمبر یا پیغمبرانی فرستاده و نیز شعاع دائرهٔ مأموریت ایشان تفاوت میکرده . از همهٔ پیغمبران پنج تن برای هدایت همهٔ مردم مأمور بوده و کتاب آسمانی مخصوص داشته و عبارتند از :

حضرت نوح (ع)

حضرت ابراهیم (ع)

حضرت موسی (ع)

حضرت عیسی (ع)

حضرت محمّد بن عبدالله (ص) و او خاتم همهٔ پیغمبران است زیرا خود فرموده که من مأمورم قوانین اخلاقی را تکمیل کنم و معلوم است ، آنچه بکمال رسید دیگر محتاج بتکمیل نیست و نیز فرموده ، رفیق و برادرم موسی پرورش روحانی مردم را تمام نکرد (یعنی استعداد مردم آن عصر ناقص بود) و برادرم عیسی برای اصلاح زندگی مادّی بشر مأموریت نداشت . و من مأمورم آنچه برای رشد عقلی و مادّی بشر لازم است ابلاغ کنم . پس از این نمونه کلمات معلوم میشود ، در عصر پیغمبر ، آدمیان بکمال استعداد خویش رسیده . و پیغمبر هم آنچه طرف احتیاج روزگار زندگی ایشان بوده و هست بیان فرموده و خاتم پیغمبران است

## امامت

امام یعنی پیشوا و مقصود ، اینست که بعد از پیغمبر (ص) علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین (ع)

جانشین آن بزرگوار بوده . این منصب دوازده نفر از فرزندان و نوادگان علی (ع) یکی بعد از دیگری سپری کرده و اکنون امام دوازدهم غائب است و روزی عالم را بنور جمال و عدل و داد خود روشن و منظم میکند .

برهان - بهمان دلیل که گفتم چون خداوند، بشر را خود مختار آفریده ، مهر و کرم او اقتضا دارد ، سفیرانی بفرستد تا پردهٔ هوا پرستی را از جلو دیدهٔ مردم برداشته راه را از چاه امتیاز دهد ، بهمان دلیل میگوئیم : چون پیغمبر نیز در آرامگاه مرگ خواهد خفت لازم است کسی را بدستور پروردگار انتخاب فرماید که برنامهٔ تعلیمات او را در هر دوره و عصر اجرا ، و مردم را بوظیفه و عمل خویش آشنا کند ، زیرا ما غفلت از این کار بانه به بندگان ستم روا داشته و ظلم بر خدا ناروا است .

---

صفات امام - ۱ - امام باید بتعلیمات پیغمبر دانا و کاملا محیط باشد

۲ - امام باید درست کردار و راست گفتار و بعبارت دیگر عادل باشد و پیرامون هیچ نوع گناه نگردد زیرا اگر نا عادل یا در سلوک باشد ممکن است گفته های پیغمبر را تغییر دهد (۱) .

---

فرق پیغمبر و امام و عالم عادل از جهت وظیفه - برای اینکه دانش آموزان و طبقهٔ روشن فکران مسلمان از دغدغهٔ خاطر و تحریکات غرض آمیز ... سرائیهای دشمن دین و مذهب آسوده شوند ، از موقع استفاده کرده این نکته را گوشزد مینمایند که پیغمبر موظف است برای دستگیری و هدایت دنبال مردم برود اگر گر بخشند ایشان را تعقیب کند تا ... خود را کاملا بگوش ایشان برساند و با آزار و منع نیز ، هر چند پای جان در میان آید باز حرف خود را پس نگرفته سفت و سخت پافشاری بفرماید

وظیفهٔ امام اینست ، که تعلیمات پیغمبر را به مردم ابلاغ کند ولی موظف نیست که دنبال مردم برود ، اما اگر مردم او را برای زمامداری دعوت کرده به پیشوائی او تن دادند . در این صورت می باید خواهش ایشان را پذیرفته در بسط عدل و برانداختن ظلم قیام فرماید .

( بقیه در صفحه بعد )

(بقیه حاشیه صفحهٔ قبل) دانشمند دین فقط مکلف است در تبلیغ و تعلیم احکام دین کوشا باشد و بر او لازم نیست که در امور کشورداری و زمامداری اجتماعی قیام کند و تن دهد (اگرچه مردم از او بخواهند) . مگر آنکه از روی اجتهاد بر خود لازم بداند .

بسم الله الرحمن الرحیم

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین.

## بخش آیات

مقدمه - کسانی که با زبان عربی آشنایند میدانند، عظمت قرآن و تأثیر تام اخلاقی یا قواعد و براهین فلسفی آن، در پرتو نظم و ترتیب حیرت انگیز عبارات اعجاز آمیز آن است، که هر سخن سنج، شیوا بیانی را در برابر فصاحت و بلاغت خود بزانو در می آورد و نکته های بسیار دقیق و رمزهای رقیق ترکیب بندی کلمات قرآن است که عرب را وا میداشت، نسبت جادو و سحر به یکتا پیشوای جهان آفرینش بدهد و در برابر بیان او مات و مبهوت گردد.

پس ترجمه قرآن بآن معنی که دوشادوش قرآن در فصاحت و بلاغت حرکت کند در حقیقت محال است، ولی تا اندازه ای که ممکن بود با تطبیق لفظ و معنی را با اینکه از مقصود قرآن دور نشویم مراعات کرده - ضمناً بعد از ترجمه در عالم آیات مقصود را نیز اختصاراً گفتیم.

آقایان اساتید با رعایت استعداد دانش آموزان و محیطی که آیات و اخلاق را در آن محیط تدریس میفرمایند از ترجمه و مقصود هر کدام را مناسبتر دانستند، تعلیم فرمایند.

إِنَّ هٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ (۱) مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۲) إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۳ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

ترجمه: بنام خداوند بخشنده مهربان ستایش خدائی راسزد که پروردگار جهانیان است. خدای بخشنده مهربان، مالک و پادشاه روز جزا، خدایا تورا می پرستیم، و از تو کمک میخواهیم، ما را براه راست هدایت کن، راه درست مردمی که به ایشان نعمت دادی نه مردمی که بر ایشان خشم کردی و نه مردم گمراه

مقصود - ماسر وگردن پیش هیچکس خم و کج نکرده جز خداوند مهربان که مالک همه چیز اوست ستایش میکنید

---

۱. رحمن و رحیم هر دو از رحم و شفقت بمعنای مهربانی گرفته شده و است ما از آ .. ما مست که هر و بخشایش خداوند بر تو رحمامت شامل حال همه بندگان از خداپرست و خودپرست ماخدا پرست میشود مانند نیرو و قدرت و دادن و روزی بخشیدن

رحیم صفتی ست که از دریچه آن آفتاب فیض و سعادت بمردمی میتابد که تنها او را پرستند و نکفه ی همراه گردن نهاده اند، البته این رحمت مخصوص آخرت است مانند گذشتن از گناه و ما نکاران تشین شده اند

۲. ... ... ... آخرت بخدا تعلق دارد و از اوست ولی چون در این جهان ... ... ... ... ... ... ... این ماسبت مالکیت روز رستاخیز را بخود اختصاص داده

لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ) .

(یعنی هر گردن فراز خودخواه و ستمگر در برابر نیروی حقیقت پرست ما خرد و زبون است و از او میخواهیم که ما را بهمین حقیقت پرستی باقی گذارد و بر ور آنان نپذیریم و بگرنش کردن و تملق گفتن از ثروتمندان و زمامداران تحصنت جوید ما بود باید دست یکتا پرستی را الکه دار کردند.

## سوره توحید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ(۱) اللّٰهُ اَحَدٌ(۲) اَللّٰهُ الصَّمَدُ(۳) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ(۴)

---

(۱) چون هو ضمیر غائب است در حقیقت معنای جمله چنین است:

ای پیغمبر بمشرکین بگو: آن خدائی که از نظرها پنهان و نادیدنی است یکی است، چه آنکه اگر دیده می شد مادی بود و چون ماده و جسم تغییرپذیر است ناچار خدا قابل تغییر بود و در حقیقت تغییر کردن، مرگ از حالتی و چهره یافتن بصورت دیگری است و در اینموقع ثبات و دوام داشتن خدا از میان میرود با اینکه میدانیم خدا جاودان است. پس معلوم میشود خدا چون برتر از جسم و آثار جسم است او را نمیتوان با چشم دید.

آنکه تغییر نپذیرد توئی وآنکه نمرده است و نمیرد توئی. و ما می توانیم باور کنیم که چیزهائی باشند با چشم دیده نشوند مانند صفات آدمی از قبیل شجاعت، سخاوت، که از زمین زدن یا دست و پای خود را گم نکردن می فهمیم یکنفر دلیر و دیگری نادلیر است با اینکه مکرر دیده ایم آن که زمین میزند و چیره می شود لاغر اندام تر از حریف خود است

باری چون از مشاهده آثار شجاعت یقین پیدا میکنیم بوجود آن در مرد شجاع، با اینکه آنرا نمی بینیم و قابل دیدن هم نیست همچنین از مشاهده آثار جهان آفرینش و عظمت دستگاه خلقت، و نظم حیرت انگیزی که در منظومه شمسی و روابط و حرکات ستارگان و ماه و زمین و پیدایش شب و روز و هزاران (بقیه در صفحه بعد)

ترجمه - بگو خدا یکی است، خدا مقصود همه است، کسی را نزائیده
ز کسی زائیده نشده و هیچکس همتای او نیست .

---

۱ از صفحه قبل ا      افسون دلبری که در سپهر گردون بکار رفته، پی میبریم که در سازمان این بوم
خام و آنچه در بر دارد، دست استاد لایق و هنرمندی بکار رفته که در نهایت قدرت و خالی
هر نوع عیب و نقص است، هر چند خود او دیده نشود و آن خداست
۲ - خدا یکی است، زیرا با اعتقاد و اعتراف بدو خدا و یا بیشتر ناچار باید گفت
هر تنهائی از ساختن و اداره کردن جهان عاجز بوده و هر دو تبانی هم چرخ آفرینش را بکار بسته
اند، پس دو خدای ناتوان دست و پا شکسته باندیشه خام خود تراشیده اند که
نگاهی سر تا پا کامل و حیرت آور آفریده اند و این باور نکردنی است
(شاید علت اینکه زردشتی ها از ایزد و اهرمن به اهورامزدا رسیده اند، همین خیال باطل
بوده که پروردگار خیرات را از خدای شر در جدا دانسته بعد باین نکته برخورده اند که خدای ناقص
معیوب معنی ندارد، سپس اعتراف کرده اند که ایزد و اهرمن هر دو بدست اهورامزدا جان گرفته
اند غافل از اینکه شر وجود ندارد تا آفریننده بخواهد مثلاً دروغ گفتن عبارت است از پوشیدن
کتمان راستی یعنی از نبودن راستی بدروغ تعبیر می شود یا ترس و بخل نبودن شجاعت و سخاوت است.
باری چون بی عیب و بی نقص یعنی کامل بودن در معنای الوهیت و خدائی نهفته و پنداشتن و
باور کردن دو خدا با ناقص و معیوب بودن خدا هم افق است خواهی نخواهی دیده خردبین می گوید
که یکی است و هیچ نیست جز او وَحدَهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُو .
(۳) صمد یعنی بی نیازی که همیشه بوده و همیشه خواهد بود . یا، کسی که کعبه آمال و مقصود همه
است، یا، آنکه هیچ صفت نقص آلوده نیست
۴ ناموس زایمان در موجودات برای اینست که چون پدر مثلاً بمیرد، پسر بر جایش بقا انسانی را
نیز [illegible] صفحه بعد

آیهٔ ۳۶ از سورهٔ نساء - وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (۱).

معنی - خدا را بپرستید و در دستگاه آفرینش و پرستش برای او هیچ چیز را شریک ندانید و نیز بپدر و مادر ، خویشاوندان و یتیمان و بی نوایان و همسایگان خویش و بیگانه و دوستانی که پهلوی شما یند و بدور افتادگان از خانمان و کارگر یا آنچه در تحت فرمان و اختیار شما است احسان کرده بدانید که خداوند مردمان خودخواه و پرنازرا مورد

---

(بقیه حاشیه صفحه قبل)

دست گیرد و نظر باینکه مرگ و عیب پیرامون خدا نمی رود ، پس زائیدن یا زائیده شدن هم در خدا راه ندارد .

۱- خداوند در این آیه چند دستور اخلاقی میدهد - یکی اینکه پرستش و بندگی را بخدا اختصاص دهید زیرا او سزاوار پرستش است بنابراین چون فرعونیان یا ایرانیان قدیم شاه پرست نباشید که همه مقدرات خود را تسلیم فرمانروایان کرده جلو آزادی در فکر و عمل و ترقی خود را ببندید و همین معنی است که امیرالمؤمنین میفرماید عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ یعنی خدا در نظر آنان بزرگ آمد و هر کس دیگر را کوچک شمردند و البته مقصود این نیست که بر دیگران ناز بفروشید و در زندگی خودخواه باشید زیرا چنانکه در آخر همین آیه ملاحظه می کنید از فخر فروشی و خودخواهی جلوگیری شده پس مراد اینست که از دیگر فرمانروایان دست و پای خود را ظلم نکرده سر در خاک است تا بنده او هوس ایشان نباشید که از رشد و ترقی فکری محروم شوید و هر کار خوب یا بدی میکنند دم فرو بسته نگوئید همه به کام خسرو پرست ، البته رومی

(بقیه حاشیه صفحه بعد)

اقه و محبت قرار نداده و نمیدید .

۱۴۱ سورهٔ نساء - اَلَّذِینَ یَبْخَلُونَ وَیَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَیَکْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاَعْتَدْنَا لِلْکَافِرِینَ عَذَاباً مُهِیناً .

معنی ( مردم با ناز و خودخواهی که محبوب خدا نیستند ) :

مردمی هستند که خود بخل کرده دیگرانرا نیز باین خوی زشت واداشته ، ثروت خداداد را کتمان میکنند غافل از اینکه ؛ این نوع مردم را بخوارترین صورت کیفر خواهیم داد .

آیه ۴۲ - وَالَّذِینَ یُنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا یُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَلَا بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ یَکُنِ الشَّیْطَانُ لَهُ قَرِیناً فَسَاءَ قَرِیناً

معنی - ( و نیز گرفتار شکنجهٔ ما خواهند شد ) :

- مردمی که برای خودنمائی از سرمایه خود بخشیده ، بخدا و روز جزا ایمان نیاورده

---

( بقیه حاشیه صفحهٔ قبل )

عدالت و مساوات در برابر قوانین کشوری خاضع و مطیع باشید و بطور خلاصه اطاعت را با عبادت اشتباه نکنید زیرا بنده و گرفتار اراده دیگران بودن کم کم آنان را ستمگر و خودسر بار میآورد ؛ باز در کلمات امیرالمؤمنین است که مردی آنحضرت را بصفات بسیار نیکو یاد کرد و تملق گفت علی (ع) جلو او را گرفته فرمود دم فروبند مبادا من گرفتار خیال شده خود را گم کنم .

دوم - وجدان پاک می گوید پدر و مادر یکه آسایش خود را در راه پرورش فرزند فدا و موی سیاه خویش را در راه خوشبختی او سفید کرده اند با هزاران هزار رنج و سختی در زندگی مواجه شده اند تا نهال فرزند بثمر رسد و درخت امیدشان بارور شد ، سزاوار نیست که در برابر آن همه حقوق ، فرزندان دست از تکلیف بدانی خود بردارند و در موقع گرفتاری یا پیری از کمک ایشان مضایقه کنند ( بقیه در حاشیه صفحه بعد )

(افسوس که فریب اهریمن خودپرستی وشیطان را خورده نفهمیده اند)

هرکه شیطان با او مانوس شود، بد همنشینی برای خود انتخاب کرده است.

آیه ۵۱ سوره نساء إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ (۱) بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا

ترجمه (در این آیه با تاکید بسیار اعلان میشود که:)

بدتر و بزرگتر گناه شرک است که خداوند آنرا نخواهد آمرزید ولی گناهان دیگر قابل آمرزش است.

و باز تاکید شده که: هرکس برای خدا شریک قائل شود، دروغ و گناه بزرگی را بخدا نسبت داده است.

آیه ۶۱ سوره نساء - إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

ترجمه همانا خدا بشما امر میکند که برگردانید سپرده های مردم را بصاحبانش و هرگاه داوری میکنید برای مردم بعدل و داد داوری کنید همانا خدا نیکو شما را پند میدهد و بآنچه میکنید شنوا و بیناست.

مقصود - در این آیه دو دستور مهم اجتماعی دیده می شود: یکی آنکه اگر کسی شما را

---

سوم - کسی که خداوند برای او وسایل و اسباب فراهم کرده تا در زندگی بسرمایه و ثروتی رسیده و روی اصل نظام اجتماعی خویشاوندانش یا جمعی دیگر پریشان باشند سزاوار نیست دود آتش مطبخ خانه او و آه دل گرسنه خویشان یا مستمندان و همسایگان بآسمان رود پس برای اینکه در چنگال انتقام طبیعت گرفتار نشوید به درماندگان خواه آشنا و یا بیگانه کومک کنید

۱ - ما مردم چون ناتوانیم برای انجام کارها و گردش چرخ اجتماع ناچار بهم کومک میکنیم، اگر بنا شود خدا هم برای خود شریک و کومک بگیرد که او هم چون ما ناتوان شده دیگر خدا نخواهد بود: (بقیه در صفحه بعد)

درستکار و امین شناخت و اندوخته خود را بشما سپرد در امانت داری خیانت نکنید و هرگاه مطالبه کرد آنرا بخداوندش پس دهید .

دستور بسیار مهم و بزرگ دوم که بنیاد کاخ اجتماع برآن قرار گرفته موضوع داوری است که از کودکی باید دادگستری و طرفداری از حق را در مغز خود پرورش دهید ، و این دستورها پند و اندرز اجتماعی است که خدا در گوش دل شما میخواند و بطرز داوری و امانت داری شما شنوا و بیناست .

آیهٔ ۶۲ سورهٔ انفال - وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (١)

ترجمه و مقصود - تا میتوانید برای نبرد با دشمنان ؛ نیرو و سواران آماده بجنگ فراهم کنید ؛ تا بمشاهده آن لرزه براندام دشمنان خدا و دشمن شما افتاده در کارزار سست شوند ؛ و نیز ؛ دشمنان دیگری که خدا ایشان را میشناسد و شما بی خبرید و برابر این قدرت نمائی تسلیم می شوند . و بدانید ؛ هرچه در راه خدا یعنی عظمت ملی خود هزینه و صرف کنید ؛ زیان نخواهد بود و سود آن بشما برمیگردد ؛ چه آنکه دست بیداد و ستم بیگانگان از سر شما کوتاه خواهد شد .

---

(بقیه حاشیه صفحه قبل ) مقصود از یکتا پرستی ، اعتماد بخدا در کارهاست که پیش مردم دون صفت سر تسلیم و خضوع فرود نیاورده و با کمال شهامت حق خویش را بخواهید که اگر زاری کنید و تملق گوئید ، گوئی خود را بنده او دانسته و او را شریک خدا .

- همه میدانید که ملل بزرگ امروز دنیا هنگام کشورگشائی و هر دسعی میکنند نمایش در رژه و یا بوسائل مثل فرستادن هواپیما بر فراز آسمان اردوگاه دشمن و نظیر آن ، دشمن را مرعوب و اراده او را سست کنند تا بدون خونریزی تسلیم شود . اسلام در حقیقت این تاکتیک جنگی را بمسلمانان پیشنهاد میکند .

آیهٔ ۲۷۷ سورهٔ بقره - يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَوا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۱) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَآتَوُا الزَّكَوٰةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲)

ترجمه - خدا محو می کند مالی را که از ربا فراهم شده و افزون می کند مالی را که بآن احسان شده ؛ خدا دوست ندارد مردم ناسپاس و گناهکار را ؛ همانا مردم با ایمانی که نیکوکارند و برپا میدارند نماز را و زکوة میدهند مزد ایشان نزد پروردگارشان محفوظ است و ترس و اندوه بر آنان راه ندارد .

---

مقصود - ۱- کینه و بغض مردم رباخوار در دل همه کس جا دارد و هنگام فرصت دست طبیعت از ایشان انتقام کشیده اصل و فرع را از آنان می گیرد و برعکس از نیکوکاران در روز تنگدستی دستگیری میکند ؛ و نباید از نعمت ثروت که خدا بمردمی ارزانی داشته ، استفاده سوء ، و به رباخواری آنرا کفران کرد و مرتکب چنین گناه بزرگ شد .

۲ - مردم با ایمان و نیکوکار که وظائف الهی و اجتماعی خود را بصداقت انجام میدهند نه تنها کسی با ایشان دشمن نمی شود تا ترس و بیم آنانرا فرو گیرد بلکه همگان بدیدهٔ احترام بایشان می نگرند .

بسم الله الرحمن الرحیم

# بخش اخلاق

## وظایف انسان نسبت بخداوند

خداوند مهربان که نعمت حیوة بما بخشیده واز آغاز تولد مهر ما را در دل پدر و مادر جا داده که با نهایت فداکاری ما را در آغوش ناز و محبت خود تربیت و بزرگ کنند و نیز چشم و گوش و هوش و قدرت بخشیده تا از آنچه آفریده بسود خویش از آن استفاده کنیم که :

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند     تا تو نانی بکف آری و بغفلت نخوری

و در برابر هزاران هزار نعمت دیگر ناچار باید شکرگذاری کرد :

از دست و زبان که برآید     کز عهدهٔ شکرش بدر آید

کمترین شکرانهٔ پروردگار مهربان عبارت است از :

۱- بندگی و پرستش واینکه تنها او سزاوار کرنش است و دیگری را نباید در عبادت برای او شریک قرار داد .

۲- در راه بندگی ، ما مسلمانان باید همان طوری که خود آفریدگار فرموده او را عبادت کنیم و چنانکه در شرعیات میخوانید عبادات عبارت است از نماز تا امر معروف و نهی از منکر البته با شرائط و مقرراتی که تعیین شده است .

۳- گردن نهادن و عمل بقوانینی که برای حفظ و سعادت اجتماعی ما تعیین فرموده از قبیل دادگستری ؛ احسان و خودداری از ستمگری و مردم آزاری ؛ رعایت قوانین معاملات و سایر احکام .

# اطاعت از احکام دین

مردمی که آئین اسلام را پرچم افتخار خود دانسته باید بدانند مسلمان بودن بگفتن ولفظ نیست اسلام دین عمل است وپیغمبر (ص) هر دستوری را که فرموده انجام دهید یا آنچه را گفته ترک کنید ؛ فقط برای رشد دادن ومیوهٔ شیرین چیدن از درخت اجتماع است که در سایهٔ تن دادن باحکام شرع مردم با هم خوش و مهربان وبرادرانه زندگی کنند وگرنه فکر کنید مخالفت با احکام دین چه زیانی برای خدا و پیغمبر دارد یا از عمل ما چه سودی بایشان خواهد رسید پس اگر مثلاً فرموده خوار بار احتکار نکنید ؛ هوس بالا رفتن نرخ اجناس در سر پرورش ندهید ؛ ثروت روی ثروت نگذارید . زیر بار بیدادگری نروید ؛ بحال ضعفا وبیچارگان رسیدگی واز حق طرفداری و بعدالت رفتار کنید همه بمصلحت خود ماست ؛ پس بزرگترین سودی که از اطاعت احکام دین عاید میشود ؛ جلوگیری از دشمنی وکینه ورزی وهرج ومرج وبدبینی مردم بیکدیگر ومحکم شدن رشتهٔ اجتماع وملیت است . که در سایهٔ اطاعت از احکام دین حاصل میشود

# وجوب تحصیل علم

بقدری در اسلام بدانش جوئی تأکید شده که از حد بیرون است گاهی گفته است دنبال دانش رفتن بر هر کس لازم است وگاه فرموده : دنبال دانش بر آئید هر چند با مسافرت بچین تحصیل شود و باز میفرماید یک ساعت اندیشه در طلب علم با هفتاد سال عبادت برابر است . بالاترین عبادتها دانش آموزی است .

آدمیت ، به آموزش وآموختن است ، دانا زندهٔ جاودان ونادان برای همیشه مرده است ، مردم نادان از جانوران وچهارپایان پست ترند ، دانش از

مال و ثروت بهتر است ؛ زیرا دانش نگهدار تو است و تو ناچاری از ال پاسبانی کنی .

## عدالت ( دادگری )

موضوع مهم دیگری که دین مقدس اسلام بی اندازه بآن اهمیت داده دادگستری است که نظام اجتماع و امنیت عمومی بآن بستگی دارد ؛ اگر فرد فرد بشر عادل باشند یعنی در هر کاری از راهی که برای آن تعیین شده کج نشوند ؛ همهٔ اختلافات و دشمنی ها و کینه ورزیها رفع میشود و در نتیجه یک اجتماع خوش و مهربان بوجود می آید در قرآن کریم از عدل و داد بسیار سخن رانده در یک آیه میفرماید : بعدالت گرائید که پرهیزکاری و انسانیت در دادگستری است ، و باز میفرماید : بعدل و داد سخن گوئید ؛ هرچند بزیان خود یا پدر و مادر و یا خویشاوندانتان تمام شود . پیغمبر ما یکی از افتخارات خود را این دانسته که در سلطنت پادشاه عادل یعنی انوشیروان تولد یافته و باز فرموده اند : کشورداری با کفر میسازد و با ظلم ناسازگار است پس اگر بملیت و کشور خود علاقه داریم باید از همین آغاز کودکی سعی کنیم عادل و حقیقت گو پرورش یابیم تا نزد خدا و خلق خدا آبرومند و محبوب شویم .

فریدون فرخ فرشته نبود — ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
بداد و دهش یافت این فرهی — تو داد و دهش کن فریدون توئی

## راستگوئی

گفتیم عدالت پایه بزرگ و محکمی برای بنیاد عظمت و اجتماع جهان میباشد باید بدانیم که اساس عدالت بر راستگوئی است و مردم راستگو را دین اسلام با عظمت و احترام

یاد و برعکس دروغگویان را بسیار نکوهش فرموده است حتی در قرآن سوره ای بنام مکذبین (دروغگویان) تنظیم شده؛ راستی در اسلام خوی بسیار پسندیده و دروغ را گناه بسیار بزرگ و ناپسند شناخته است. شما فکر کنید چه اندازه لذت می برید که بدانید دوست همکلاس شما زبان خود را بدروغ آلوده نساخته ببینید چه مقدار ناراحتید و چگونه در نظر شما خوار است اگر در عهد او دروغ دیده شود. پیشوایان مذهبی ما فرموده اند پیروان ما ممکن است هر گناهی را مرتکب شوند ولی لب بدروغ نمیگشایند. پس اگر ما مسلمان دین و آئین حقه را مستقیم ما شناخته ایم خود و از دروغ پرهیز کنیم.

## وظیفه انسان نسبت به پدر و مادر

هرگاه مهر مادر و زحمات پدر را در راه حفظ و پرورش خودتان در نظر مجسم سازید خواهید یافت که در برابر آنهمه فداکاری اگر همه عمر با ایشان خدمت کنید باز اندکی از خدمات آنانرا منظور نداشته اید شب زنده داری مادر و اشک و خونی که در بیماری کسالت شما میریزد و ناراحتی ها که در راحتی شما تحمل می کند مگر قابل جبران است؟ دوندگیهای پدر و رنج و مشقتی را که در طلب روزی برای آسایش شما بخود هموار می کند تا جوان برومند و یادگار نیرومند بار آورد چگونه می توانید پاداش دهید؟ پس هرچه ما بکوشیم نمیتوانیم در برابر حقوق پدر و مادر انجام وظیفه کنیم. در رعایت همین حقوق بی پایان ایشان است که خداوند میفرماید: ۱- کوچکترین سخن اهانت آمیز به پدر و مادر نگوئید. ۲- با ایشان درشتی و خشونت نکنید. ۳- و اگر ایشان را به شرک دعوت می کنند در این موضوع از ایشان اطاعت نکنید ولی باز مبادا که ار

مدارا و زبان خوش تجاوز کنید که عقوبت خواهید دید ! و در روزگار پیری از ایشان دستگیری کنید چنانکه در کودکی شما را چون جان در آغوش خود پروردند .

## وظیفه ایشان نسبت بخویشاوندان وصله رحم

خویشاوند اگر پدر و مادر و فرزندان و نوادگان باشد علاوه بر احترام و رعایت مراتب اخلاقی باید در صورت تهی دستی و درویشی از آنان پرستاری و بزندگی ایشان رسیدگی کرد که با مسامحه و کوتاهی مسئولیت شرعی و قانونی دارد و نسبت بخویشاوندان دیگر ( از برادر و خواهر و عمو ، عمه ، خالو و خاله ! ) نیز در قرآن و کلمات پیغمبر و امامان بسیار دیده میشود که باید دلجوئی و نوازش کرد . در قرآن میفرماید :

بترسید از خدا و بارحام خود رسیدگی کنید که روز قیامت از شما مؤاخذه میشود (۱) و رحم یعنی خویشاوند و صله آن همان نوازش و دلجوئی از او است که در قرآن میفرماید : مردمی که از ارحام خود تفقد میکنند محبوب خدا و آنان که رشته خویشاوندی را پاره و قطع می کنند مبغوض خدا یند .

## وظیفه انسان نسبت بخود و جامعه

## و زیردستان و همسایگان

وظائف شخصی - انسان از تن و جان ترکیب یافته و برای هر یک وظایفی را باید انجام دهد .

---

۱ - ( سوره نساء آیه اول )

پرورش تن - دین اسلام بحفظ تن و صحت آن اهمیت داده و آنرا واجب شمرده و فرموده است .

بهداشت تن را از جهت خوراک و خواب باندازهٔ لازم و نظافت بدن و جامه و گرفتن ناخن و شانه زدن مو و مسواک و شستن دهان باید رعایت، و از خوردن و نوشیدن خوراکیها و نوشابه های زیان آور اجتناب کرد .

جان پروری - شرافت و انسانیت در اسلام: به دانش آموزی و نیروی اراده یعنی دلاوری و عفت یعنی پارسائی و پاکدامنی است و فرموده اند مردمی که در پرورش جان و روان آدمیت سهل انگاری میکنند از حیوانات پست ترند .

وظائف اجتماعی - اوّل نوع دوستی در نوع پروری شعر سعدی مضمون گفته پیشوایان دین است که میگوید :

تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

دوم خوشرفتاری - نزد حضرت صادق از دین و دانش کسی سخن رانده شد حضرت فرمود در رفتارش با مردم چگونه است ؟ گفتند : کج خوست فرمود : نباید او را دانشمند دین دار شمرد .

سوم اطاعت از قانون - باید قوانین اجتماعی را پیروی کرد و کار هائی را که جامعه برای انسان تعیین کرده انجام داد .

چهارم مراعات زیردستان و همسایگان - روش زندگی باید طوری باشد که محبت شخص در دلها جای گیرد و روز درماندگی از او دستگیری کنند، بهترین وسیله برای اسیر کردن دلها، اینست که انسان از زیردستان دلجوئی

و بحالشان رسیدگی کند ، زیرا اینها میدانند ، تفقد او از احتیاج نیست ، و با آدمی ، صمیمی میشوند ، در قرآن هم به پیغمبر (ص) دستور میدهد با این طبقه مردم، فدای زبردستان و ثروتمندان مخواه

و نیز در حق همسایگی بسیار تأکید شده و فرموده اند همسایه مسلمان و خویشاوند، حق هم کیشی و خویشاوندی و همسایگی دارد ، و برای همسایه نامسلمان همان وظایف همسایگی را باید انجام داد مثلاً اگر بیمار و به پزشک یا دارو، محتاج است پزشک و دارو برای او حاضر و فراهم کنید نوعی در خانه زندگی نکنید که موجب آزار او گردد، و اگر درویش است بزندگی او کومک کنید .

پنجم نوازش کودکان - کودکان را باید به دیده مهربانی نگریست و ایشانرا نوازش و با زبان کودکانه تربیت کرد و اندرز داد

ششم احسان - درماندگان را باید دستگیری و ایشانرا با احسان و بخشش درمان کرد تا اگر درگذشت ، در کار خود انسان بزانو درآمد دیگری از او دستگیری کند

هفتم احترام به پیران - باید سالخوردگانرا احترام گذارد و از تجربیاتی که اندوخته اند ایشان که در نتیجه آزمایش و چشیدن سرد و گرم روزگار اندوخته اند ، درس ... گرفت که هیچ مدرسه و آموزگاری، چون مدرسه جهان و شاهداتی که در سفر پیران آزموده از خود اثر گذاشته ، بانسان تعلیم نمیدهد .

## احتراز از معاشرت بدان

همنشین تو از تو به باید | تا ترا عقل و دین بیفزاید

همان اندازه که میان گفتار و کردار تفاوت است ( دو صد گفته چون نیم کردار نیست )
همان اندازه ما بین دانشی که انسان از راه گفتن در ... بگیرد و آنچه از راه ... 

انسان بیاموزد، تفاوت هست. پس اگر با مردم بدسرشت و زشت کار نشست و برخاست کنند، ناچار با دو سه مرتبه تکرار، خوی پست او در شما تاثیر و شما را از مقام انسانیت پرت میکند و بهمین جهت پیشوایان و بزرگان دین و اخلاق، معاشرت با بدان را گناه بزرگ شمرده اند.

## آداب معاشرت با بزرگتران و همدرسان (همسران) و کوچکتران

بطور کلی پیشوایان دین فرموده اند:

نوعی با مردم رفتار کنید که هنگام غیبت شما برای شما درود و آفرین فرستند و به مرگ شما افسوس و اندوه خورند (چنان با نیک و بد سر کنی که بعد از مردنت عرفی مسلمانت بزمزم شوید و هندو بسوزاند) و معلوم است

نسبت به بزرگتر از خود باید احترام گذاشت و با او سخن به درشتی و تندی نکرد و راهنمائی او در تحصیل و زندگی ارزش داد، و اگر سخن یا عقیده ای را بناحق پنداشت و اظهار میکند با حفظ مقام و احترام او با زبان ملایم و نرم او را از اشتباه بیرون آورد.

با همدرس و دوست دانش آموز خود باید مهربان و صمیمی بود زیرا بهترین دوستی ها آنهائی است که در مدرسه فراهم شده. مدرسه است که فرزندان طبقات مختلف [illegible] را در یک صف جمع میکند، اصل و نسب و ثروت را باید دور ریخت. و همه همدرسها برادرانه رفتار و یکدیگر را در آموختن و مذاکره و تمرین درس کمک [illegible] باید نوعی رفتار کرد که با نشاط [illegible] و [illegible] دختران [illegible] باید از ایشان پیروی کرده، تعلیم [illegible]

میباید مواظبت داشت که در گفتار و کردار، مراعات سال زندگی ایشانرا از دست ندهد

## فرار از دفاع

جهاد و دفاع از کشور بزرگترین وظیفه ای است که خداوند در انجام آن مزد و ثواب میدهد و در کتاب آسمانی اسلام یعنی قرآن مردانی که در راه ملیت، جانفشانی کرده و شربت شهادت نوشیده اند دارای مزد و مقام ارجمند معرفی شده و باز فرموده اند، این طبقه از مردم زنده جاویدند و بهمان اندازه مردمی را که در جنگ بدشمن پشت کرده و یا اساساً از دفاع و جانبازی در راه کشور و میهن گریزان میشوند، ببی نکوهش فرموده و گفته اند، نام این فرومایگان سست عنصر را نباید [illegible] گذاشت و در برابر دستگاه عدل الهی از گناهکاران و تبهکاران محسوب میشوند، در نظر اسلام و مسلمین صدر اول، بزرگترین گناه، ننگ خودداری یا فرار از دفاع بوده است امیر المؤمنین علی (ع) در خطابه های آتشین خود مکرر میفرموده و نابود باد مردمی که برای خون خود در راه حمایت اجتماعی ارزش و مقدار قائل نشده اند از میدان کارزار میگریخت و یا بهانه جوئی کرده، در نبرد با دشمن شرکت نجسته بهتری در انتظار خوار و زبون باشد که ناچار مرگ را بر زندگی ترجیح میداد و از ترس ملامت مردم خود را مخفی میکرد.

پس مردمی که اسلام را شعار ملیت و آزادگی خود میدانند، باید در راه کشور و ملیت خویش از جان و دل فداکاری کرده، دست درازی بخانه خویشتن اجازه بیگانگان نخواهند.

بخط جواد [illegible]

ملک الخطاطین

# فهرست مندرجات

## سایر تألیفات مؤلف

رساله در قاعدهٔ بسیط الحقیقه

» » ترجمهٔ رسالهٔ علم‌النفس « ابن سینا »

» » عربی خودآموز

» » روانشناسی

» » فلسفهٔ شرق

» » تاریخ فلسفهٔ ( شرق و غرب )

» » منطق قدیم

» » منطق جدید ( متدلوژی )

فقه سرعیات و ترجمه و تفسیر آیات و اخلاق ۵ جلد

بها ۱۵ ریال